

دویست نفر را می آوریم بمجلس و در یکدرجه همان دویست نفر را که تعیین میکنیم ملت همان هاراجتین و انتخاب میکنند و همانها می آیند بمجلس می نشینند و کیل مردم هم هستند حالانده از دلیل ششم و هفتم آقایان هم چون وقت گذشته است اغماض میکنم که تشریح بکنم و جواب آنها را هم بگویم و کلام خودم را تمام میکنم .

نایب رئیس - بقیه شورانماده مجلس آتیه
دکتر حاج رضاخان - پس اجازه ها باید محفوظ بماند .

(نایب رئیس محفوظ است دستور جلسه آتیه بقیه شور در نظامنامه انتخابات و رایورت کمیسیون بودجه راجع بحسن خان مجاهد است .

نایب رئیس - در اینموقع که پنج دقیقه بعد از ظهر است حرکت کرده مجلس ختم شد (مقابله شد صحیح است محل امضاء)

جلسه ۲۶۸

صورت مشروح روز سه شنبه

۷ شهر رجب ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای میرزا مرتضی قلیخان نایب رئیس تشکیل شد آقای میرزا ابراهیم خان صورت جلسه قبل را قرائت کردند .

غائبین بدون اجازه - آقای ناصر الاسلام - آقا شیخ حسین یزدی - آقای حاج امام جمعه آقاسید حسن مدرس .

غائب با اجازه - آقای دکتر امیرخان و آقای میرزا علی اکبر خان نیمساعت بعد از وقت مقرر حاضر شدند .

نایب رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست؟
بهجت - چون در جلسه گذشته در باب انتخاب مستقیم بنده یک پیشنهادی کردم و قرائت شد خوبست در صورت مجلس هم قید شود

نایب رئیس - دو پیشنهاد شده است یکی از طرف آقای بهجت و یکی از طرف آقای حاج شیخ اسدالله هر دو قید میشود ملاحظاتی دیگری نیست؟ (اظهاری نشد - صورت مجلس تصویب شد)

نایب رئیس - چون در این چند روزه اقامت آقای سپهدار اعظم بدولت تلگرافی رسیده بود که لازم بود جواب آنها داده شود لذا رجوع شد به کمیسیون عرایض و کمیسیون عرایض جوابی نوشته است که قرائت میشود اگر صلاح بدانند همان منمابره میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) :

سیم شهر رجب المرجب ۱۳۲۹ - در جواب تلگرافات انجمن ولایتی گیلان نوشته میشود اولاد خصوص حرکت آقای رئیس الوزراء همانطور که اظهار فرمودند حرکت ایشان غفلة و تا کنون حکمت آن معلوم نگشته ثانیاً در مسئله عدم مساعدت مجلس با حضرت معظم له این مسئله بکلی اشتباه و تا روز حرکت ایشان کمال موافقت در حفظ و سهولت اجرای مقاصد کابینه ایشان شده و هر گاه موازی در اجرای امور مملکتی داشته اند بهتر آن بود که قبل از حرکت اظهار و رفع آن را در خواست نمایند و حالیه هم چنانچه مکرر از مقامات لازمه تلگراف ایشان شده و استعفای ایشان هم پذیرفته نشده و از

یک درجه آسان نیست و در انتخابات دو درجه آسان است من نمیدانم دویله رفتن آسان تر است یا یک پله رفتن آسان است این محسوس است و انکار این انکار حسیات است لیکن اینها که میگویند آسان تر است انتخاب دو درجه از انتخاب یک درجه از این جهت گفتند که بعضی جاها در انتخاب دو درجه زیاد میکنیم مثل در پنجاه فرسخی آنها انتخاب میکنند و در درجه اول یک نفر را او میآید بمرکز حوزه انتخابیه بنده عرض میکنم این خودش یک مشکل است که در پنجاه فرسخی یک نفر را انتخاب بکنند آنوقت او تازه بار به بندد و این مسافت را طی بکند و بیاید بمرکز حوزه انتخابیه تازه برای یک انتخاب دیگر و این زحمتش در مقابل دو پله نشد در مقابل ده پله شد اما بنده عرض میکنم این زحمت را نکشند و آسان تر بکنند که از آنجا مستقیماً بیاید بمرکز آنقدر کوچک بکنند حوزه انتخابیه را که رأی دهندگان بصد هزار نفر برسند آنوقت حق انتخاب یک نفر دارند و آن یک نفر مستقیماً می آید بمرکز و این هیچ سختی ندارد و خیلی آسان تر است از دودرجه یکی هم آقا فرمودند که در صورتی که یک درجه شد باید عده نمایندگان را زیاد کرد بنده عرض میکنم زیاد کردن و کلاء موقوف بعده نفوس مملکت است مگر هر مملکتی که عده نفوس کم هم باشد و انتخاب آنجا یکدرجه باشد عده و کلاشان زیاد میشود و اگر انتخابات آنجا دودرجه شد عده و کلاشان کم میشود ابداً اینطور نیست ما بعده نفوس تقریباً میخواهیم حق تعیین نماینده بدهیم بمردم اگر عده نفوس زیاد بود نماینده زیاد میشود چه در یکدرجه چه در دو درجه فرق نمیکند باندازه هر صد هزار نفر یک نماینده باید انتخاب کنند اگر عده و کلاء کمتر است از هر صد هزار نفر یک نفر باید آنوقت عده و کلاء را زیاد بکنیم چه انتخابات را یکدرجه قرار بدهیم چه دو درجه قرار بدهیم حالا در صورتیکه عده اهالی مملکت بقدری شد که بهر صد هزار نفر که حق یک و کیل دادیم عده نمایندگان ما بدویست نفر رسید و انتخاب یکدرجه شد آنوقت مردم همین دویست نفر را انتخاب میکنند و میفرستند بمجلس اما اگر انتخاب را دو درجه قرار دادیم باید بعوض دویست نفر حق انتخاب هزار نفر بدهیم در درجه اول که دویست نفر از آنها دومرتبه انتخاب شوند و بمجلس بیایند در اینصورت مردم را گول میزنیم میگوئیم شما حق انتخاب هزار و کیل دارید وقتی که آنها هزار نفر نمایندگان خودشان را منتخب کردند و فرستادند آنوقت نه صد نفر یا هزار نفر از آنها را بشمشیر دودرجه باز بیرون میکنیم آنوقت آن ها حق دارند ما بگوئیم شما چرا ما را گول زدید ما گفتید هزار نفر انتخاب کنید وقتی که ما و کلاء ما را فرستادیم بمرکز آنوقت اینها را برگردانید معلوم میشود اینها و کیل مانبوندند پس شماها را گول زدند باری با اینهمه معایب باز عرض میکنم زیاد کردن و کم کردن و کلاء موقوف است بآن اندازه عده نفوس که بآن اندازه باید و کیل بگیریم و این تفاوت نمیکند چه یک درجه باشد چه دودرجه باشد منتهی اینکه در دودرجه هزار نفر اول تعیین میکنیم و بعد از آن هزار نفر

خودم بفهمم و آقایان هم درست ملتفت شود مراد آقایان از اینکه در انتخاب یکدرجه بعضی شرکت نخواهند کرد اینست که انتخاب دو درجه که شد تمام مردم شرکت خواهند کرد ولی در انتخاب یکدرجه که چیز بدبختی شده است بعضی ها محروم میشوند محرومیت مردم دو قسم است یکی محروم کردن هست مردم را که ما بآنها حق انتخاب ندهیم این خلاف مشروطیت است یکی آنست که این شخص نمیآید حق خودش را بگیرد نمیآید انتخاب کند این ربطی بمانداری قانون گذار او باید قانون را طوری بگذارد که سایه انداز باشد تمام علی السواء باید بطوری قانون وضع کند که تمام اهالی در تحت آن قانون علی السواء باشند و هیچکس از سایه او خارج نباشد حالا اگر یک کسی رفت خودش را از تحت تابعیت ایران خارج کرد و از حق انتخاب محروم شد این ربطی بقانون ندارد آورفته است خودش را بجهنم انداخته است بکسی مربوط نیست نرود خودش را بجهنم نیندازد و بمجلس شورای ملی چه او خودش میکند بکند منکه قانون میگذارم جلو گیری از گناه مردم هم باید بکنم بمن چه من باید در قانون گذاری طوری بکنم که مردم محروم نشوند حالا مردم خودشان خودشان را محروم میکنند بمن چه دخلی دارد - حالا آمدم سر مطلب محروم کردن مردم خودشان را در انتخاب یکدرجه یا دو درجه مساوی است هیچ تفاوتی ندارد باین معنی که قانون گذار اعلان انتخابات را داد مردم را در این اعلان از حق انتخاب بهیچوجه محروم نکرد نه در انتخاب یکدرجه نه در انتخاب دو درجه حالا کسی خودش نیاید انتخاب بکند و رأی بدهد این ربطی بان انتخاب یکدرجه و دو درجه ندارد فرض میکنیم انتخاب هم دودرجه است مردم وقتی که حاضر نشدند انتخاب بکنند و رأی بدهند بایک درجه چه فرق دارد هیچ فرق ندارد بلکه بنده عکسش را مدم که در انتخاب دودرجه بعضی محروم میشوند در انتخاب یکدرجه محروم نمیشوند جهتش هم واضح است یکی از آقایان در محسبات یکدرجه اظهار کرد و خیلی خوب دلیلی هم بود که در انتخاب یکدرجه بعضی اشخاص با آراء کثیری انتخاب میشوند و آنها که این اشخاص را انتخاب کرده اند آن را و کیل خودشان قرار داده اند وقتی که او بمجلس نیاید تمام آنها محروم شده اند از حق که داشته اند بواسطه انتخاب دودرجه که بمیان آمد انتخاب دودرجه به آنها شمشیر کشید و به آنها گفت اول فلان فلان شده ها شما این را و کیل کردید من میگذارم او بیاید بمجلس و کیل شما باشد این انتخاب دو درجه استبداد کند بایستد بروی مشروطه خواها بگوید من میگذارم شما بمجلس وارد شوید اما در یک درجه اینطور نیست شمشیر هم نکشید هر کسی را که مردم بقاعده انتخاب حقشان را از آنها گرفتند و در نکردند و شمشیر نکشیدند که چرا این را انتخاب کردید و خودش یکسره بمجلس میاید کسی هم نمی گوید که چرا تو آمدی این مثل این است که انتخاب دو درجه محروم میکند موکلین را حالا یک اشکالی هم اینجا دارم و او را گذاشتم و نمیگویم یک اشکال آقایان هم بدم مسئولیت انجام عمل انتخابات بود در یک درجه گفتند در انتخاب

طرف نمایندگان هم وعده همه نوع همراهی و مساعدت تا جائیکه قوانین مملکتی اجازه میدهد بایشان شده و خواهد شد ولی چنانچه حضرت معظم له تقاضائی دارند که اجام آن از وظائف و اختیارات مجلس خارج است بواسطه عدم امکان معدت میخواید.

افتخار الواعظیه - بنده عرض میکنم بعد از حرکت رئیس الوزراء مطابق آنچه شنیده ام بنده وارد قزوین میشوند امروز در این صورت نمیدانم لازم هست این جواب مخابره شود یا خیر بعقیده بنده بعد از حرکت آقای رئیس الوزراء بطرف تهران دیگر مخابره کردن این جواب را زیادی میدانم.

محمد هاشم میرزا - بنده عرض میکنم البته تلگراف که بمجلس شده است باید جواب داده شود و در دادن جواب حرفی نیست لکن اگر در مضمون جواب حرفی دارند مطلبی است علیحده در قزوین اگر هستند بقزوین مخابره شود.

نایب رئیس - حالا اولاً باید مذاکره در این بکنیم که لازمست جواب بدهیم یا لازم نیست در صورتیکه لزوم دادن جواب معین شد باید مذاکره بکنیم که چطور عبارت باید نوشته شود.

حاج شیخ الرئیس - بنده عرض میکنم جوابی لازمست که داده شود نه باین مضمون بعد از آنکه آقای سپهدار حرکت کرده اند خوبست نوشته شود که آقای سپهدار حرکت کردند دیگر آن مطالب موضوعی ندارد و در تلگراف هیچ صلاح نیست که نوشته شود اختیار فو قانون یا تحت قانون یا خیر

مقیم السلطنه - بله بنده عقیده دارم این جواب مخابره شود بجهت اینکه يك اطلاعی است میخواهند بانجمن ایالتی رشت بدهند و آن اطلاعات را آنها خوب دارند که سپهدار اعظم حرکت کرده است و اگر محظوراتیهم داشته اند رفع شده است دیگر چه اطلاعاتی بدهند و آن گهی مطلب را بنده میخواهم بدانم کدامست اولاً علت حرکت خودشان بطوری که خودشان نوشتند و بموجب اطلاعاتیکه از خودشان رسیده بود و ما میتوانیم بگوئیم علت حرکت ایشان همان بوده است که خودشان اظهار داشته اند و همان هم صحیح است بجهت اینکه خودشان اظهار کرده اند و همان چیز برای ما سندیت دارد که خودشان اظهار کرده اند و آن هم بواسطه کسالت بوده و بواسطه خستگی و عدم پیشرفت امور و این تقصیر ایشان و هیچکس نیست باین مناسبت مسافرت کردند ولی چون مسافرت ایشان مقتضی نبوده است و لازم بود که برگرز عودت کنند و عودت هم میکنند و تقاضائی هم که شده است هنوز عنوان نشده است بیک مقام رسمی که ما بتوانیم ببینیم که آن تقاضا خارج از حدود قانونی بوده و شاید تقاضائی شده باشد خارج از حدود و مقامات رسمیه آن را گمان میکنم لزومی نداشته باشد که ما اینجا مطرح قرار بدهیم یا در تلگرافاتی که بخارج میشود مخابره کنیم و موضوع اقامت ایشان در رشت بود که اصل مطلب تلگراف انجمن ایالتی بوده است دیگر حالا که آن موضوع از بین رفت جوابی لازم نیست.

نایب رئیس - هر کس مخالف است با این رأی آقای متین السلطنه اظهار کند.

عز الملک - بنده لازم میدانم که جواب این تلگراف داده شود و گمان میکنم که اگر آقایان مخالفت بکنند انجمن که سهل است جواب يك فرد از افراد ملت هم باید داده شود خوب است آقایانی که مخالفند زیر مضمون تلگراف اگر نظری دارند بفرمایند و اظهار مخالفت بکنند و باعتقاد بنده مضمون تلگراف عیبی ندارد هر چه نوشته شود تماشای صحیح است.

حاج شیخ الرئیس - بنده عرض میکنم همین طوریکه اظهار شد البته جوابی برای انجمن ولایتی لازم است ولی معلوم است جواب ها برای پیش آمد امور فرق میکنند و گویا مطالبی هم که نوشته شده است تماشای صحیح است و گمان نمیکنم مضمون این تلگراف مضمونی باشد که بتوانیم مخالفت بکنیم حالا خوبست جواب بدهید که از احساسات وطن پرستانه آن انجمن خیلی خورسند شدیم و بحمدالله همان طور که موافق مقصود شما و وطن خواهان و کسانی که اصلاح خواه هستند بود بعمل آمد و مراجعت هم کردند و تقاضای خلاف قانون هم نشده است.

نایب رئیس - رأی میگیریم در این که این جواب مخابره شود یا خیر آقایانیکه تصویب میکنند این جواب مخابره شود قیام نمایند (بیش از چند نفری قیام نکردند.)

نایب رئیس - (تصویب نشد) رایپورت کمیسیون عرایض و مرخصی راجع بعدم مرخصی حاج محمد کریم خان قرائت بعبارت ذیل قرائت شد رایپورت کمیسیون عرایض و مرخصی بمجلس شورای ملی - آقای حاج محمد کریم خان بمجلس مقدس شورای ملی عریضه دو ماه مرخصی تقدیم نموده اند و در کمیسیون عرایض و مرخصی مطرح شور گردید با اکثریت رد شد و تصویب نگردید.

ارباب کپخسرو - بنده مخالف این رایپورت هستم بر این که آقای حاج محمد کریم خان با کمال جدیت باینجا تشریف آورده اند و بموجب اظهاراتی که میفرمودند در موقع حرکت ایل خودشان لازم میدانند که بروند بایل و بعضی دلالتهایی که باید برای منفعت مملکت بآن ها بکنند و خودشان با الصراحه میگویند اگر اجازه ندهند از مجلس برای خدمت بمملکت مجبورم که استعفا بدهم و بروم و میگویند من در اینجا که هستم خدمتی از من بر نمیآید و من بروم در آنجا و خدمتی که لازم است و از من برمیآید بروم آن خدمت را انجام بدهم در اینصورت ما که صلاح و خیر مملکت را میخواهیم باید تصویب بکنیم و اجازه بدهیم.

نایب رئیس - رأی میگیریم برایپورت کمیسیون عرایض که تصویب نمیکند مرخصی دو ماهه آقای حاج محمد کریم خان را حالا آقایانیکه تصویب نمیکند مرخصی ایشان را و موافقت با رایپورت کمیسیون عرایض و مرخصی قیام نمایند (چند نفری قیام کردند.)

نایب رئیس - رایپورت کمیسیون رد شد - پس مرخصی ایشان تصویب شد رایپورت کمیسیون بودجه راجع بحسن خان مجاهد خواننده میشود. بعبارت ذیل قرائت شد لایحه وزارت جنگ راجع بحسن خان مجاهد تبریزی قرائت گردید وزارت جنگ

نظر بخدمات مشارالیه مبلغ پنجاه تومان میرسد انعام برای خرج راییشنهاد نموده اند داده شود کمیسیون با اکثریت آراء مطابق پیشنهاد وزیر ماده ذیل را رأی میدهد.

ماده مبلغ پنجاه تومان برای خرج راه حسن خان مجاهد تبریزی داده میشود.

نایب رئیس - این فقره گویا محتاج بمذاکره نباشد باید رأی بگیریم اغلب نمایندگان تصدیق کردند.

نایب رئیس - رأی میگیریم برایپورت کمیسیون بودجه هر يك از آقایان تصدیق میکنند رایپورت کمیسیون بودجه را ورقه سفید خواهند انداخت هر يك از آقایان رد میکنند ورقه آبی خواهند انداخت.

در این موقع شروع باخذ آراء شده آقای حاج میرزا رضا خان اورا رأی را باین نحو قرائت نمود ورقه سفید ۴۸ ورقه کبودیک.

نایب رئیس - با اکثریت ۴۸ رأی تصویب شد. مذاکره در رایپورت کمیسیون انتخابات است چون مأخذ مذاکره پیشنهادی بود که آقایان بهجت و حاج شیخ اسدالله در انتخاب يك درجه کرده بودند چون قرار شده بود بطور موافق و مخالف اجازه داده شود در جلسه گذشته بنطق آقای هشترودی که موافق بودند جلسه ختم شد و اجازه ها هم بهمان ترتیب ضبط شد حاضر است حالا نوبت آقای معزز الملک است بفرمائید.

معزز الملک - اگر چه عرایضی که در جلسه گذشته کردم اینجاست تکرار میکنم در کلیه قوافین که قانون انتخابات هم جزء آنهاست وزراء باید باشند و اینکه بعضی از آقایان میفرمایند حضور وزراء لازم نیست و اینرا جمع بحقوق ملی است حقیقتاً فلسفه این را من نمیفهمم بجهت اینکه هیچ قانونی نیست که در مملکت تجربه کرده باشند و گفته باشند که این قسمت راجع بوزراء است و این قسمت راجع به بیست مقننه است که نباید وزراء در این قسمت شرکت نمایند بلکه در کلیه مواد قانون حق دارند این برگشت نمایند یا نمایندگان و اینهم از همان مواد است و بنده باز تکرار میکنم و خواهش میکنم از آقای نایب رئیس که احضار بفرمایند وزراء را در اینجا اقل آقای وزیر داخله و آقای وزیر عدلیه حاضر باشند و نظریاتی اگر دولت در این باب دارد اظهار بکنند که خیلی اهمیت دارد در جلسه گذشته آقایانیکه طرفدار انتخاب یکدرجه بودند دلالتیکه داشتند بیان کردند و این دلایل اگر خیلی عقلانی بود وای بنده را نتوانست قانع کند اولاً بنده در اینجا ایرادیکه کردم گفتم بواسطه انتخاب یکدرجه افتتاح مجلس تأخیر میافتد جوابهاییکه دادند بنده را قانع نکرد و حتی یکی از نمایندگان محترم در اینجا فرمودند که ما باید قانون را مطابق اصل مشروطیت وضع کنیم ولو اینکه مجلس یکسال بتأخیر بیفتد تصدیق خواهند فرمود که کلیه قوانینیکه گذارده میشود برای رسیدن يك مقصود است و مسلم است این قانون انتخابات را که مینویسید فرع است بر يك اصلی اول داشتن مجلس است و بعد باید نظر بطرز داشتن مجلس باشد که از چه قبیل نمایندگان مجلس تشکیل شود و آن وقت

ترتیب انتخاب آن نمایندگان است وقتیکه مامدانیم که بواسطه يك قانونیکه از مجلس میگردد نمایندگان دیر حاضر خواهند شد که اکثریت یکدرجه در مجلس حاضر نخواهد شد خیلی بعید است که ما باز بگوئیم که همان قانون را باید بناداریم ولو اینکه در ظرف يك سال هم نمایندگان حاضر نشوند و مجلس منعقد نشود اما اینکه عده کافی حاضر نخواهد شد اگر ما رجوع کنیم بانخابات دوره گذشته بخوبی معلوم خواهد شد و تصدیق خواهند فرمود که فرقی ندارد بین انتخاب یک نفر منتخب درجه اول و انتخاب يك نفر نماینده عمیات انتخاب هر دو یکی است اگر رجوع میکردند بر هیئت انتخابات حوزه انتخابیه می دیدید که در اغلب از دوره ها از کایه عده منتخبین درجه اول تقریباً همسه يك ربع آنها حاضر نمیشدند ولی چون در این موقع انتخاب دودرجه بود آینه دیگر که حاضر بودند ولو اینکه از عده درجه اول قدریهم حاضر نبود و کسر داشتند و باز هم خود آنها حق داشتند که جمع شوند و تمام عده لازمه نمایندگان را انتخاب نمایند و بر مرکز بفرستند خود این ترتیب را تصدیق خواهند فرمود که اسباب سهولت بود ولی وقتیکه انتخابات یکدرجه شد این سهولت نخواهد بود بجهت اینکه هیچ نقطه را فرض نفرمائید که سابق در انتخابات درجه اول باید منتخب خودشان را بفرستند فرضاً از سه نقطه فرستاده بودند و از دو نقطه دیگر فرستاده اند لکن همان سه نفر منتخبین درجه اول چون مدت آمدن آن دو نفر دیگر از آن دو نقطه منقضی شد انتخابات خودشان را کردند و نماینده شانرا فرستادند لکن در این دوره آندو نقطه که منتخب درجه اول خودشانرا در دوره گذشته فرستادند و حالا مطابق انتخاب يك درجه باید نماینده خودشان را بفرستند اگر مثل سابق فرستادند نماینده خودشان را فرستاده اند در ترتیب اول نماینده از بین نرفت لکن در این ترتیب ثانی نماینده از بین میرود این مثل دودوتا چهار تا است آندو نقطه نماینده خودشانرا فرستادند هیچ رابطه بین آنها و کایه حوزه های انتخابیه موجود نخواهد بود وقتیکه محلی را بمیل خود و آندار کردند آن وقت ممکن است يك محل نماینده خودشرا بفرستد و يك محلی تا آخر دوره تقنینیه نماینده خودش را فرستد و بالاخره ممکن است بواسطه همین قصور اهالی در فرستادن نماینده بر مرکز عده لازمه برای تشکیل مجلس شورای ملی حاضر نشود و برای يك قدم پیش رفتن ده قدم پس بروند و مجلس تقریباً نداشته باشند و اینکه فرمودند در اینجا که ممکن است بتوسط روزنامه ها و رفتن بنابر و مساجد مردم را وادار بانتخاب کرد بند تصور میکنم که این ترتیب در بعضی جاها ممکن باشد باید تصدیق بکنیم که در نقاط مملکت معمول نخواهد شد زیرا در همه جا روزنامه ها نخواهد بود در همه جا نمایندگان نیستند که پرونده تشویق بکنند مردم را و از طرف دیگر شاید مأمورین قوه مجریه هم آن جدیت را نداشته باشند در انتخاب نمایندگان و ما نباید خودمانرا گول بزین بامیدواریهای آتیه که خودمان میدانیم حقیقتی نخواهد داشت پس باین دلیل عرض میکنم که بواسطه انتخابات یکدرجه عده که لازم است برای تشکیل

مجلس شورای ملی حاضر نخواهد شد در مرکز و اگر هم حاضر شوند يك اشخاصی در اینجا خواهند آمد که شاید آمدنشان باینجا صلاح نباشد و اینکه میفرمایند مکرر هم گفته شده است که البته اکثریت يك محلی که انتخاب میکنند کمتر گول میخورند از آن عده که دومرتبه انتخاب میکنند یعنی از آن منتخبین درجه اول من تصور میکنم که این اینطور نباشد بجهت آنکه استدعا میکنم آقایان نظرشان بر مرکز عده نباشد والا از سایر جاها مامدانیم که عموماً عده رأی دهندگان چقدر است یک نفر رأی بدهند لابد آرائشان مختلف میشود و ممکن است در يك مرکزی يك کسی با اکثریت ۶۰ - ۷۰ رأی انتخاب شود و آنوقت تصدیق خواهند کرد که حاصل کردن ۶۰ - ۷۰ رأی برای کسی که قابل نیستند داخل وکالت شوند خیلی آسانتر است از حاصل کردن ۴ - ۵ رأی که هر کدامشان میل دارند انتخاب شوند و خود آنها ذینفع هستند و بر فرض که تصور بکنیم که هر يك از این پنج نفر خودشان را بنویسند در صورتیکه از خودشان گذشت یقیناً تصدیق خواهند فرمودند که نظرشان خواهد رفت باشخصیکه قابل هستند برای اینکار و برآندگی دارند و ما هیچ نباید تصور بکنیم که نظر آنها بکسانی خواهد رفت که لایق نیستند بیدی است آنچه چهار نفر دیگر کسانی را خواهند نوشت که البق واسب تر باشند و این بدیهست که بواسطه این دو درجه شدن نخبه میکند نمایندگان را و در جلسه گذشته بنده عرض کردم انتخاب یکدرجه بعضی نقاط را محروم میکند از انتخاب گویا در این عرض بنده هم دقتیکه لازم بود فرمودند بجهت اینکه جوابها آئیرا که فرمودند راجع بان عرض بنده نبود باینجهت دوباره محض توضیح عرض میکنم در انتخابات يك درجه باحال حالی مملکت بعضی از جاها ممکن است محروم بمانند مثلا چطور محروم میشوند محض اینکه واضحتر شود رجوع میکنم بعوضه بندیها در کردستان مثلا بسفر وبانه واورامان و میروان یک نفر نماینده داد شده است لابد انتخابات هم چون يك درجه کی است آنوقت یا باید گفت سفر وبانه و اورامان و میروان جمع شوند در يك نقطه و يك مرکز انتخابه و اینها تماماً يك نفر را نماینده برای خودشان جدا جدا جمع شوند و يك هیئت نظاری تشکیل بکنند و يك انتخابی بکنند آنوقت آنکس نماینده خواهد بود از این چهار جا که اکثریت نسبی داشته باشد و یقین خواهم کرد که تمام اینها يك رأی نخواهند داد بجهت اینکه هنوز در اینجاها ترتیبی داده نشده است که یک نفر برود کاندید شود مردم را تشویق کند و بگوید مرا انتخاب بکنید پروگرام خودشا بگوید این ترتیب که نخواهد بود باید لابد بمیل خودشان باشد آنوقت میشود در واقع چهار نفر نماینده چون از چهار محل انتخاب میشود و چهار نفر داوطلب برای وکالت شدند و این چهار نفر انتخاب شدند آنوقت از آن چهار نفر کدام را خواهند داشت لابد آنرا خواهند داشت که اکثریت دارد

و تربت و شیخ جام وغیره حالا بعضی از آقایان از دلائل غارح شدند و فرمودند مثلا اگر سنا منعقد شود اگر حکام مسئول باشند این اگر ما مثل آن مثل فرانسوی است که میگویند که باید که ما مرکز يك شهری در يك نظری جا بگیرد اما این اگر ما می شود کار کرد حکام بوظیفه خودشان در انجام انتخابات عمل نمیکند این يك چیزی نیست که بتوان بتوسط انجمن نظار رفع کرد و نمیشود معتقد انتخابات یکدرجه باشد بشرط چندین اگر وزراء چه قسم باشند اگر حکام چنان بکنند ولی اینها اگر است ثانیاً میفرمایند حکام مسئول انتخابات خواهند بود اگر همان حکامی که تا حال که آخر دوره است و يك ربع از نمایندگان هنوز حاضر نشده اند مسئولیت انتخابات را قبول کرده اند همانها باز مسئولیت انتخابات یکدرجه شمارا قبول خواهند کرد و حتماً شما نتیجه خواهید گرفت میگویند در انتخابات دودرجه ممکن است بعضی حیل و تزیورها بشود من نمیدانم که کدام حیل و تزیور است که بتوسط انجمن نظار ممکن است رفع بشود بنده نمیگویم که انتخابات یکدرجه بدست بجهت اینکه انسان وقتی که يك حرفی را میزند برای زمانی و يك مکان معینی میگوید و الا البته بدون ملاحظه مملکت و بدون ملاحظه زمان اگر به بنده بگویند که کدام يك از انتخابات دودرجه و يك درجه بهتر است البته بدون تأمل خواهم گفت که انتخابات یکدرجه اولی چیزیکه هست امروزه باید کنار گذارد بجهت اینکه تا وقتیکه اسباب رسیدن برام اگر ما بخواهیم عجله بکنیم در رسیدن بمقصد همیشه عرض اینکه يك قدم جلو برویم ده قدم عقب میرویم این جای هیچ شك و شبهه نیست چنانچه آن جلسه عرض کردم و باز هم تکرار میکنم در يك مملکتی که هنوز هیچ راه آهنی ندارد وسیله مراده ندارد این همه اختلافات نژادی دارند این همه اختلافات اخلاقی دارند این همه مشغولیات داخلی دارند که هیچ نمیتوانند بپردازند بیک ترتیب انتخاباتی باین ترتیب دیگری و حواس خودشانرا جمع کنند که مجلس شورای ملی زود منعقد شود و اساس مشروطیت محکم بشود باید آنرا از دست داد و قناعت کرد بدرجه پائین که انتخابات دودرجه باشد و این است که در تمام دنیا قوانین مختلفه دارند بجهت اینستکه مقتضات داخلی خود را منظور میکنند و الا اگر در موقع قانون گذاری فقط نظر برام بود فقط نظر بازادی بود فقط نظر بغور مشروطیت بود آنوقت چون فور مشروطیت در همه جا خودش يك آمالی دارد لازم میآید که تمام قوانین عالم در تمام ممالک عالم يك طوری باشد ولی اینطور نیست و این برای چیست برای اینستکه بعضی مقتضیات مجلسی هست و همیشه منظور میشود و متدرجاً بطرف مقصد و آمال قدم بر میدارند ولی با چه قدمهایی کوچک قرص و مطمئن بطرف مقصد می روند و الا والا هیچوقت مقصد حاصل نخواهد شد .

شیبانی

بنده معتقد بيك درجه هستم و از دلائلی که در مجلس اقامه شد و مذاکراتی که در خارج شده است ابتدا تزلی و تردیدی برای بنده پیدا نشده است که بگویم دودرجه بهتر است از یکدرجه و آقایانی که اینجا دلیل میاورند که دو درجه بهتر

است از يك درجه همان دلایشان بیان ایشان را رد میکند مثلا اقرار دارند منتخب دو درجه و کبیل ملت نیست و کبیل افراد است بجهت اینکه يك عده میآیند يك نفری را و کبیل میکنند پس این نماینده و کبیل افراد معدود است و کبیل افراد ملت نیست فقط نماینده خود نفر است که بمجلس میآید و همچنین میفرمایند يك درجه آسانتر است و دو درجه بیکفردی مشکل است و باز هم میفرمایند که باید که دو درجه باشد و دلایل دیگر را که آقای معز الملک مشروحاً فرمودند بنده میخواهم تکرار بکنم و یکی یکی را جواب عرض کنم همینقدر عرض میکنم اگر انتخابات یکدرجه شود آن نماینده که باینطور انتخاب میشود نماینده ملت است و البته ملت آن نماینده خودش را ولو اینکه بی علم باشد یا بعضی معلومات دیگری که از او خواسته اند دارا باشد طرف اعتماد میدانند یعنی آن اشخاصیکه آن آدم را و کبیل میکنند باو اطمینان خواهند داشت و هم پشتیبان او خواهند بود و همیشه گوش دارند برد و قبول او پس چگونه میشود که ما این ترتیب را کنار بگذاریم و يك ترتیبی را اختراع بکنیم که ابتدا نماینده ملت نباشد بلکه نماینده يك عده مخصوصی باشد و این را هم من باب مثل عرض میکنم و شخصی اگر يك طفل زشتی داشته باشد البته آن طفل زشت خودش را ترجیح خواهد داد بيك جوان مقبول دیگری و همینطور است در این موضوع که ملت هم نماینده را که خودش انتخاب میکند او را ترجیح میدهد بر يك عالم فاضلی که هیچ او را در خارج نشناسد و معرفت بحال او نداشته باشد و تصور میکنم که در این باب هر چه حرف بزیم زیاد است و تقاضا میکنم از آقای رئیس که اشخاصی که يك مرتبه دلائل خودشانرا ذکر کرده اند دیگر تکرار نفرمایند برای اینکه بخواهند مکرر در مکرر دلائل اولیه خودشانرا اظهار بکنند تصور میکنم که ما خیلی دیو بنیچه بسیم و بنده هم محض اینکه از خاطر آقایان رفع زحمت کرده باشم بهین مختصر اکتفا میکنم .

حاج شیخعلی

هیچ شك نیست در این که انتخابات يك درجه بهترین انتخاب است و هیچ يك از آقایان هم فلسفه نمیتوانند این را تکیه بکنند و بگویند که بطوریکه درجه انتخاب کردن نداشت فقط چیزی که مانع شده است بعضیها از این که امروزه يك درجه تصویب بکنند عدم حسن جریان است بواسطه این که ما نداریم آن اسباب را که بتوانیم این مقصود خودمان را درست بانجام برسانیم راه نیست مردم آن طوریکه باید برای انتخاب حاضر باشند حاضر نیستند بعضی تقلبات و خیالات احتمال می رود که مردم در این کار بکنند و اقدامات بکنند ولو این که معظورات در دو درجه هم هست و یکی رفع نمیشود ولی وقتیکه مقایسه بکنیم این دو تا را باهم دیگر میبینیم که در بعضی از نقاط اشکالات در يك درجه پیش خواهد آمد و بعضی جاها در دو درجه و اگر ما بخواهیم دو درجه مطلق را تصویب بکنیم معایبی در کار پیدا خواهد شد و دیدیم مثل این که اگر ما بگوئیم حوزه انتخابیه خراسان مثل اول باشد بنده هیچ تصدیق نمیکند که دو درجه باشد بواسطه این که اکثری از نقاط منتخب درجه اول خودشان را نمیفرستند و آن وقت آن

اشخاصیکه از خود شهر منتخب شده اند و تقدم جسته اند در میانه همانها انتخاب خواهد شد اختصاص بخراسان هم ندارد آذربایجان و سایر مراکز هم همین طور است آن وقت آن نقاطیکه منتخبین درجه اول را نفرستاده اند یا اینکه فرستاده اند و در درجه ثانی انتخاب نشده است مثل همان میماند که هیچ و کبیل نداشته باشند و از حق خودشان محروم شده اند و از آن طرف اگر ما بخواهیم بگوئیم که مطلقاً يك درجه باشد بنده مثل آفتاب میبینم که مجلس دیر افتتاح خواهد شد در این هیچ شك نیست بواسطه این که نقاط معظم مثل آذربایجان یا مشهد یا اصفهان یا شیراز و امثال اینها نمایندگان خودشان را زود خواهند فرستاد و با حضور آنها هم عده برای افتتاح مجلس کافی نخواهد بود و باقی نقاط هم باین زودیا اقدام در انتخاب نماینده خودشان نخواهند کرد و از این جهت افتتان مجلس عقب خواهد افتاد حالا ولو این که این کار هیچ فلسفه ندارد ولی چون قانون برای رفع احتیاج مملکت است اگر چه بنده خودم میدانم و هیچ مملکتی نیست که ترتیب انتخاب آنها در بعضی جاها يك درجه باشد و در بعضی جاها دو درجه اما بجهت تسهیل کار و بجهت این که مجلس زود مفتوح بشود میتوانیم که قائل بشویم بتفصیل که هم آن معظورانی که در انتخاب يك درجه است تا اندازه رفع شود و هم آن موانعیکه در انتخابات دو درجه است آن وقت خواهند گفت که در نقاطیکه انتخابات آنها را دو درجه میکند اگر يك درجه بشود چه عیب خواهد داشت بنده عرض میکنم بیک نقطه هست که (۱۵) هزار جمعیت دارد و بیک نقطه دیگر هست که (۳۰) هزار جمعیت دارد و بیک نقطه دیگر هست که (۵۰) هزار این ۳ نقطه را باید يك حوزه قرار بدهیم که یک نفر انتخاب بکنند از آن نقطه که (۱۵) هزار جمعیت دارد تا آن نقطه که (۵۰) هزار جمعیت دارد و ما میخواهیم آنجا را مرکز حوزه قرار بدهیم (۵۰) یا (۴۰) فرسخ راه است که باید تمام آن جمعیت در آنجا حاضر بشوند و یک نفر را انتخاب بکنند و بفرستند بر مرکز و هیچ کس من عقیده ندارم که در ایران حاضر شود که برای تعرفه گرفتن يك مسافتی را طی بکند خواهند گفت که ما در هریک از این نقطه که (۱۵) هزار و (۳۰) هزار و (۵۰) هزار جمعیت دارد يك حوزه انتخابیه تشکیل خواهیم داد که هر کدام انتخابات خودشان را بکنند آن وقت آراء آنها را جمع خواهیم کرد و یکی که اکثریت داشت او را بر مرکز خواهیم فرستاد بنده عرض میکنم که این ترتیب بلفظ درست است اما بعضی نواقص دارد که وقتی که بموقع عمل بیاید خواهیم دید که خیلی مشکل خواهد بود برای این که فرض کردیم که ما در سه نقطه سه انجمن نظارت تشکیل دادیم وقتی که آراء هر سه نقطه جمع شد ما باید این سه انجمن نظار را که آراء او در آن ها جمع شده است در يك محل جمع بکنیم و وقتیکه بنیاد این سه نقطه که وسعت خا کشان چهل یا پنجاه فرسنگ است یک نفر نماینده بفرستند به بنیتم که آن یک نفری که اکثریت خواهد داشت بالنسبه بهر يك از این سه نقطه خواهد بود یا از يك محل لابد آن يك نفر نماینده از يك نقطه خواهد بود که باسم نمایندگان

این سه نقطه بمجلس میاید ولی تصدیق خواهند کرد که این نماینده آن دو نقطه دیگر خواهد بود این یک عیب یک عیب دیگر اینکه اشخاص متنفذی که صلاحیت نمایندگی را ندارند در هر يك از این سه نقطه تحریکات و اقدامات خواهند کرد که رای برای خودشان درست بکنند خواهند فرمود و در انتخابات غیر مستقیم هم همین کار را خواهند کرد بنده عرض میکنم چو در انتخابات غیر مستقیم و دو درجه باید يك درجه دیگری را هم طی بکنند و در این صورت آن شخص متنفذ هیچ حاضر نیست که از آن نقطه که بیست فرسخ یا چهل فرسخ مساحت دارد حرکت بکند بیاید بر مرکز حوزه که شاید در درجه دوم انتخاب نشود برای این که این کار را برای خودش یک توهینی فرض میکند و هیچ حاضر نمیشود برای این کار چرا که این سه نفر یا بشود يك نقطه جمع بشوند و از این آنها يك نفر یا دو نفر انتخاب شود و بیاید تهران و آن شخص متنفذی که بجهت این کار همه قسم حاضر است اقدامات بکند که خودش را نماینده بکند چون ببیند که باید يك درجه دیگر را طی بکند این اقدام را نمیکند برای اینکه ما یوس است که شاید من این زحمات را کشیدم و از يك نقطه خودم را انتخاب کردم بعد که بنقطه دیگر رفتم که در درجه دوم انتخاب بشوم مرا انتخاب نکردند و يك حسن اینکار هم این است که وقتی که سه نفر از این سه نقطه در مراکز صده جمع شوند و خواستند يك نفر را از بین خودشان انتخاب بکنند و بفرستند اگر چه آن يك نفر بالاخره از يك نقطه انتخاب خواهد شد ولی نظر باین که آن دو نقطه دیگر در درجه اول شرکت در انتخاب کرده اند و بر مرکز حوزه فرستاده اند باز شرکت در انتخابات داشته اند از این گذشته خود آن دو نفر که لا بد رای داده اند در این که آن يك نفر نباید تهران پس همین رای دادن آن ها مثل این است که آن دو نقطه رای بنمایندگی آن يك نفر داده باشد هیچ اشکالی هم ندارد اما اینکه انتخابات را مستقیم بکنیم و آراء را جمع بکنیم در يك مرکز یا صرف نظر بکنیم از بعضی معایبی که احتمال می رود آيا شما يك همه چه اطمینانی دارید که در همین راه آن آراء بصحت بمنزل برسد من که همچو اطمینانی نمیتوانم حاصل بکنم که آراء را صحیحاً از نقاط يك مرکزی ببرند و استخراج بکنند بلکه ممکن است بعضی مفاسدی از اینکار پیدا بشود که یشیمان بشویم و در آن وقت هم یشیمانی فائده نخواهد داشت از این جهت عقیده بنده در این خصوص این است که مادر بعضی نقاط بزرگ مثل شهرها یا آنجاها ای که يك نفر نماینده خود دارد انتخابات را مستقیم قرار بدیم برای اینکه زودتر نمایندگان خود را خواهند فرستاد و در آن نقاطی که محظورات در همین هست که اگر يك درجه بشود انتخابات آن ها بتعویق می افتد آنها را دودرجه بکنیم که آنها هم زودتر انتخاب بکنند نه اینکه عمل انتخاب زودتر خواهد شد اقدام بانقلاب را زودتر خواهند کرد برای اینکه وقتی که یک از نقاطی که (۱۰) یا (۲۰) یا (۳۰) هزار جمعیت دارند يك نفر نماینده درجه اول بفرستند که در مرکز حوزه حاضر بشوند البته خیلی زود سهولت خواهند انتخاب کرد مثل اینکه در انتخابات دو درجه سابق هم داشتیم جاهائی را که ماینده هاشان زودتر حاضر شدند اینها هم زودتر خواهند آمد پس بآن دلیلی که عرض کردم

عقیده بنده این است که بهتر این است که بملاحظه حال مملکت ما قائل بتفصیل بشویم و تکمیل بکنیم مشروطیت خودمان را که آنجاها ای را که سابق دو درجه کرده است و لازم است دودرجه باشد همانطور دو درجه فرار بدیم و آنجاها ای که میدانیم اگر يك درجه باشد آسان تر خواهد بود يك درجه قرار بدیم

نایب رئیس - از آقایانیکه اجازه خواسته اند اظهار عقیده خودشان را بنمایند خواهش میکنم که عقیده خودشان را مختصراً در ضمن دوسه کلمه اظهار بدارند و داخل در جزئیات نشوند والا این قسم اگر بنا شد مذاکرات نماینده و داخل در جزئیات این مسئله بشوند این مذاکرات میماند برای روز دیگر و امروز نتیجه از آنها نخواهیم گرفت

لواءالدوله - عرض کنم در خصوص انتخابات یکدرجه و دو درجه آن اشخاصی که در جزء انتخابات مداخله نداشته اند اطلاع ندارند که در دودرجه چه اشکالاتی هست و یکدرجه بچه اندازه سهولت دارد يك درجه اگر باشد مسلم است که بمیل ملت انتخاب میشود و آنکسیکه انتخاب شده است مستقیماً نماینده ملت است اما وقتی که دو درجه شد آمدند در حوزه انتخابیه حالاشن نفرند یا چهار نفرند یا ۳ نفر هر چه میخواهند باشند و وقتی که آمدند و از بین خودشان يك نفر را انتخاب کردند آن يك نفر آنطوریکه باید در حقیقت و واقع نماینده باشد و وکالت آن ملت را داشته باشد نداد بواسطه اینکه بنده بجهت اینکه يك نفر را اطلاع دارم که این آدم خیر و امینی است مایک عده دیگری انتخاب میکنیم يك جمعیت دیگر هم يك کسی را که از آن است انتخاب میکنند همین طور يك عده هم يك نفری را که عالم است فقط نظر بعلم او دارند و انتخاب میکنند و وقتی که اینها انتخاب شدند و در يك جا جمع شدند می بینید که آن کسی که امین است انتخاب میشود و مابقی محرم میشوند و آنوقت آندو حزبی که این دو نفر را انتخاب کرده اند هیچ وکیل ندارند بجهت اینکه فقط آمده اند که قصدشان این بوده است که وکیلشان امین بوده باشد مقصودشان حاصل شده است و برخلاف مقصود آن دو حزب دیگر نتیجه حاصل شده است بعضی ولایات هست همانطوریکه آقای مثل زندند که راهشان خیلی دور است و بعضی جاها می بینند چهار شهر یا چهار محل جز یک حوزه است و بواسطه اینکه جمعیت آنها کم است نمیتوانند منتخب درجه اول انتخاب بکنند بکوت می بینیم که آن چند محل نماینده ندارند مثل خوسار و کلیایکان و محلات و کمره که بنده از آنجا انتخاب شدم اینها سابق هر کدام يك نفر وکیل داشتند و حالا دو نفر نماینده حق دارند و این دو نفر باید از بین شش نفر منتخب درجه اول انتخاب بشوند و حالا باینکه بنده خودم صد رای داشتم کلیایکانی میگویند ما وکیل نداریم همینطور خوسار و کمره هم میگویند ما وکیل نداریم با اینکه از همه این چند محل بنده يك جزئی رای داشتم معذرت همه میگویند که ما وکیل نداریم بنده اصل و متن واقع را عرض می کنم که در حقیقت تمام آن ها بمن اعتماد ندارند برای اینکه آن ها میگویند ما وکیل کلیایکانی میخواهیم من کلیایکانی نیستم قبلاً يك دلیلی که آوردند این بود که سهولت درجه دوم از يك درجه بیشتر است در صورتیکه این

میکند لابد ازین خودشان نماینده معین میکنند و سائرین محروم میشوند در هر صورت عقیده بنده این است که انتخابات دودرجه تصنیع حقوق ملت است هیچ گفتگو ندارد و همچنین درجه دوم اشکالاتی که دارد هیچ انتهائی ندارد و همچنین در خصوص عده و کلا که در قانون انتخابات نوشته شده است صدو بیست نفر بنده عرض میکنم که قانون اساسی بموجب اصل چهارم مینویسد که صدو شصت و دو نفر برای ملت و کلا انتخاب میشود و لادالافتضا تر باید تواند یافت دیگر نوشته است که کمتر خواهد شد

نایب رئیس - این خارج از موضوع است. **لواءالدوله** - چون این نقشه را که میکشند از روی عده صدو بیست نفر است و میگویند نباید زیادتى بشود چرا زیادتى نشود قانون آسمانى که نیست تا اینکه قابل تغییر نباشد.

نایب رئیس - آقا خواهش میکنم قدری تأمل بفرمائید قانون اساسی همانطور است که فرمودند ولی بعد از آنکه رجوع شد بدلت عموم ملت این ترتیب را قبول کردند از این جهت آن اصل گذشته است و خواهش میکنم که در آن موضوع مذاکره بفرمائید برای اینکه در مقابل آن اصل این ماده (۱۲۰) نفری نوشته شده است و فعلاً این ماده معمول است.

لواءالدوله - بنده چون نظرم بر این است که آن اصل فسخ نشده است عقیده ام این است که در صورتیکه قانون اساسی (۱۶۲) نفر معین کرده است دیگر (۱۲۰) نفر چرا اگر آقایان درست تأمل بفرمائید رفع این اشکال خواهد شد و اما در خصوص صد هزار نفر يك درجه هنوز تحصیل رأی در این خصوص نشده است بلکه هرده نفری يك وکیل لازم داریم مادامیکه بآن درجه از علم که باید برسیم نرسیدیم مملکت ما مثل مملکت اروپا نیست و در خصوص انتخابات یکدرجه و دو درجه اگر حکمت و فلسفه انتخابات یکدرجه گی را بادو درجه گی قیاس بکنید خواهید دانست که حق باین درجه ها است.

مجلس بلکه بعضی از آقایان دیگر هم عقیده شان در انتخاب یکدرجه و مستقیم است و بهترین ترتیبی که از برای حل این مذاکرات ممکن است اینست که در تمام شهرها و جاهاییکه يك نفر نماینده حق دارند مستقیم باشد و اینهم يك رأی است که اشخاص هم که قائل بتفصیلند بآن همراهند آن وقت میماند جاهائی که حق انتخاب يك نفر نماینده را ندارند و بجهت اینکه اسباب معطلی بیشتر نشود در آن خصوص هم يك رأی بگیرید که زودتر این مطلب از مجلس بگذرد برای اینکه وقت تترک است و موقع میگردد و قبل از انفصال مجلس باید مردم بدانند و تعلیمات لازم بر مردم داده شود که مقصود از انتخابات را بفهمند باین زودها که نمیشود بآنها فهماند و در این دو مسئله هم که عرض کردم عقاید همه حاضرانست زیرا که این يك مطلبی است که از اول آنرا در امرنامه خودشان حل کرده اند و يك عقیده برای خودشان اتخاذ نموده اند دیگر محتاج بمذاکرات زیاد نیست.

نایب رئیس - اما آقای محمد هاشم میرزا در اینجا نوشته بودند که مخالف بان انتخابات مستقیم و در ضمن عقیده خودشان را اظهار نکردند تا باین مسئله را بنده تصور می کنم که این مسئله یکی از موادی است که فوق تمام قوانین است و يك شور را تصور نمیکند که کافی باشد باید دوشور در آن کرد که این شور اولش باشد و بعد در چند جلسه بعد شور نانی در آن شود و رای در آن گرفته شود و رأی راهم که مجلس میدهد کمیسیون نمیتواند برخلاف آن رای بدهد بلکه این رای که در مجلس گرفته میشود قطعی است و به کمیسیون که رفت مبنای سایر اصلاحات کمیسیون در قانون انتخابات خواهد شد پس در این صورت در این موضوع باید رای قطعی گرفته شود و رأی قطعی هم باید بعد از شور دو سه مرتبه گرفته شود حالا بکریع تنفس است.

مجدداً بعد از تنفس مجلس یک ساعت قبل از ظهر تشکیل گردید.

نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا توضیحی داشتید بفرمائید.

محمد هاشم میرزا - چون قبل از تنفس کسی که آخر مذاکره کرد بنده بودم و آنطوری که بنده نوشته بودم آقای نایب رئیس قسمت اول آنرا ملاحظه فرمودند و قسمت دیگرش را ملاحظه نفرمودند لذا بنده لابد بشدم که توضیح بدهم عرض می کنم يك قسمت هستند که مطلقاً انتخاب مستقیم را قائل هستند بدون اینکه نوشته باشند تا جاییکه اشکال پذیر است و قسمت دیگری نوشته اند انتخابات مستقیم تاجائی که ممکن است و از آنجا به بعد غیر مستقیم انتخاب بشود بنده از اشخاصی هستم که عقیده ام این است جاهائی که ممکن است مستقیم باشد ولی در جاهائی که ممکن نیست غیر مستقیم مثل اینکه در بعضی از نقاط ایران بنده سراغ دارم که امکان پذیر نیست مستقیم مطلق باین جهت بنده قائل شدم بتفصیل باین معنی که قائل بانقلاب مستقیم هستم مادامی که بشود در جائی که مصداقش را غیر ممکن میدانم تفصیل را قائل شدم و آنجا هم که نوشته بودم در دستور مجلس مخالف با انتخابات مستقیم بطور مطلق بودم و با غیر مستقیم هم مخالف بودم بطور مطلق برای اینکه بنده تصور

نمیکند که انتخابات مستقیم بطور مطلق دوچار اشکال بشود و در درجه دوم مطلقاً قائل نیستم و همینطور هم اجازه خواسته بودم برای اینکه اشتباه نشود که بنده مخالف با انتخاب مستقیم هستم این توضیح را میدهم که در روزنامه درج شود.

حاج وکیل الرعایا - انتفاعاتی که از قانون منتظریم باید دو ماخذ صحیح داشته باشد بدون این دو ماخذ هیچ ترتیب و اثر صحیح نخواهد داشت اول ماخذ صحیح ولایتی بودن قانون و آقا قانون آسمانی است که آنرا خدا ایجاد کرده است و محیط است بر همه چیز و آن بدون منفعت هیچ نمیتواند باشد و هر وقت که منفعتش کم شد از طرف مخالفت با او است دویم تجربه است که او قانون بشری است که بشر میتواند از روی تجربه ایجاد قانون نماید و آنهم چون تجربه نشان داده است يك قسمت از منفعت را میتواند دارا باشد لکن نه بآن اندازه پس حالا ما باید بتجیم که از تجربیات که در این پنجساله واقع شده يك دوره امتحانی بود که کم هم نبود و آنرا کوچک نمی شود گرفت و چه چیزها برای ما واقع شد که باید آنها را تجربه قرار داده داخل يك ترتیبی بشویم که از آن زحمات ملت را خلاص کرده باشیم بنده تصور میکنم مقصود از مجلس شورای ملی یا نماینده ملت باشد بغیر از این نمیتواند باشد و اگر بنده نماینده ملت باشد باید ملت او را انتخاب کرده باشد حالا شما میخواهید آنها را مثل بنده عاقل و بهتر از خود بنده بدانید من هم شریکم اگر يك کسی هم نیست که میگوید غیر اینکه آنجا هست عاقل نیست و حال اینکه او در رنج و زحمت است و می بیند که بر او چه وارد شده است و میدانیم که بر او چه میگردد البته او خودش خیلی بهتر میدانند که در وقتیکه او نماینده خودش را انتخاب کرده باشد و اطمینان خودش را با او اظهار کرده باشد و باین جا فرستاده باشد و منتظر باشد که او خیر او را بدست خودش اجرا کند دیگر چه حرفی است و اینکه ما هنوز کاملاً بآن قدر از نعمتی که در مشروطیت مستقر است يك اندازه محروم شده ایم برای همین يك جهت اساسی بوده است ولاغیر نمیخواهم جزئیاتش را عرض کنم البته در مجلس اول بعضیها در خاطر مبارکشان هست که چون يك شصت نفری از تهران انتخاب شده بود و مجلس افتتاح شده بود و مرکز آن اعضاء بود بعضی تهمت ها بآن ها میزدند و آن هائیکه در خارج بودند گول میخوردند و خیال میکردند که این اشخاص واقعا این معاiber دارند که دشمن های آنها میکشند و حال آنکه اینطور نبود چرا این تهمت ها بآن ها وارد میشد برای اینکه نمیدانستند که این مجلس مرکب از چه اشخاصی است بعد هم که آمدیم در این دوره ثانی آن سلطانی که آن قدر بسط مشروطیت را نمیخواست خیلی اندیشید تا اینکه این ترتیب را پیش آورد که شاید از این راه مشروطیت را محدود بکند و ما هم تا حال تحمل کردیم برای اینکه وقت با اجازه نمیداد که داخل این مذاکرات بشویم برای اینکه مشغول بکارهای مهمتر ملی بودیم و بنده عرض میکنم نماینده ملت آن کسی است که از طرف ملت

رأساً و مستقیماً بدون هیچ شرطی انتخاب شود آنوقت مملکت در حال سکون خواهد ماند و ممکن نیست غیر از این باشد فرضاً هم اگر بعضی بفرمایند که اشکالاتی نیست بنده هیچ اشکالی را غیر متروک ننیدام در یک درجه و دودرجه هر چه هست متروک است که هر چه بخواهم تطبیق بکنم نمیشود آیا آنهائیکه میگویند باید دودرجه انتخاب شود میخواهند بگویند که رأی ملت اول گرفته بشود یا نشود پس این چیزی که رأی عموم را مناط بگیرند که در اول هست چه ضرر دارد که آنهائیکه اطمینان خودشان را نسبت بیک داده اند چنانچه در انجمن نظارت تهران بعضی از آقایانیکه آنجا بودند در این جا تشریف دارند و دیدیم اشخاصی دارای سهزار رأی بودند محروم شدند و بنده علاوه بر آن میگویم یک چیز دیگر را عرض میکنم که بنده مرامم چون در آن حوزه انتخابیه نمایندگان طهران را داخل کرده بودند آنرا از آن چهل و پنج نفر نمایندگان تهران را که مستقیماً انتخاب شده بودند انتخاب کردیم و الان پنج نفر را بیشتر نمی بینم اینها چرا این جور شده است برای اینکه ما اصول مشروطیت را از دست داده ایم حالا چرا ما از دست داده ایم بواسطه تراکم و چیزهاییکه بر ما وارد شده است که تقصیر منداشته ایم و ملت خودشان هم میدانند که ما بعد نکردیم زمان ما یک زمانی بود که بیش از این با قدرت نداد و آنروز هم میدانستیم که با منفعت مملکت موافقتی ندارد حالا عرض میکنم مجلس باید نماینده ملت باشد و از آن اشخاصیکه باشنده های پای آنها تر کینه و دستهای آنها بقدر ضحامت دست بنده شاید چرم و پینه دارد باید از همان اشخاصی در این جا باشد که وقتیکه حرف خودش را میزند اثر خودش را بخشد تا اینکه ببیند آن بیچاره کیست و بزرجمت چه اشخاصی باید عموم از او منتفع بشوند و گمان میکنم که بغیر از انتخاب مستقیم بدون هیچ شرطیکه خللی است که بمشروطیت وارد میشود هر کس رأی غیر از این باشد و اگر بفرمایند زحمت دارد بنده هم میدانم که زحمت دارد ولی کار کم زحمت در دنیا کم منفعت خواهد بود کار پر زحمت پرمفعت خواهد بود و کار بی زحمت همین را تهیه میکنند که الان درش هستیم و خیلی زحمت ابتدائی لازم است که مایک نتیجه صحیحی برسیم نماینده ملت و مجلس شورای ملی وقتی برسمت در دنیا شناخته میشود که مستقیم از طرف ملت انتخاب شود دانا است باید همان باشد نادان است باید همان باشد آن وقت در مملکت مسکو حاصل میشود زیرا هر چه از مجلس بیرون برود آراء ملت ایران است و هیچکس هم نمیتواند ایراد بکند و قطع دارم که گول هم نمیخورند برای اینکه آن ها در نفع و ضرر خودشان شریکند و امکان ندارد که منفعت خودشان را از دست بدهند و مثل امروز نباشد که شاید خیلی ناله ها هست که بسکه زیاد بگوش ما رسیده است و در صدد و علاج بر - نمایانم و هیچ چاره نمیکنم و آن روز آن ها زود در صدد علاج و چاره بر میآیند و بعضی تهمتها هم دیگر نمیتوانند بیک همچو مجلس مقدس بزنند حالا لایق نیست که من اینجا بگویم که چه گفتند برای چه میگفتند این حرف ها را برای این که آن که در آخر سیستان بود و آن که در آخر لرستان بودند میدانست

که کیست اینجا نشسته است از این جهت این تهمت ها را زدند که خدا دهن آن ها را پر از آتش بکند .

حاج شیخ الرئیس - بنده در این موقع متذکر شدم یک جمله را که در اوقات طفولیت که عمران را صرف نحو میکردیم یک چیزی میگویند موانع قیاس گاهی مسئله درست است ولیکن خیلی مسائل است که بزبان ادبی میگویند که موافق قیاس و مخالف استعمال است وقتی که بفرساید این حرف برسیم بنده ناچارم این طور توضیح بدهم که این بیانات مشعشع که بفرساید عقیده اینجناب یک درجه از نمایندگان محترم ظهور نمیکند گمان ندارم که دیگران باین نظر متوجه نیستند بلکه بنده خیلی اهمیت میدهم این نقطه نظر را که موافق قیاس فلسفه مشروطیت و توسعه دایره حفظ حقوق نوعیه دیگر داخل تفصیل نمیشود همین بیاناتی که آقایان فرمودند و میفرمایند ولی متأسفانه بنده هیچ لازم ننیدانم و نه خودم را بستایم و نه موافقین خود را یعنی این موقع موقع عراق شاعرانه نیست می خواهم عرض کنم که البته اولین مرامم و آرزوی مقدس هر صاحب مسلک سیاسی و گمان نمیکنم که در بیان احزاب مختلفه یا مولفه هیچکدام از این مردم خودشان را بی نصیب کرده باشند معلوم است و خیلی آرزومند بنده و تقدیس میکنم این نقطه نظر را که ما یک وقتی انتخاب را درجه اول و مستقیم بدانیم و بیانییم این عقاید را همان طوری که اساس عقیده خوب است در مقام عملیات هم همان را ببینیم ولی این نکته را چرا توجه نمیفرمائید یا قابل عطف نظر نمیدانند آقایان برای اینکه امروز حالت عموم اهل مملکت ما البته تصدیق خواهند کرد که هنوز بواسطه پاره علل که بکی عدم تعمیم معارف است حالا بعد از این انشاءالله (شهر ما فردا پر از شکر شود شکر ارزان است و ارزان تر شود) البته همین طور است و خواهد شد ولی امروز بآرزوی آن کانشاءالله غریب الحصول است نمیتوانم آینده تغییر بدیم امروز بنده می بینم و البته همه هم متوجه اند که آن معارفی که برای عموم اهالی مملکت لازم است البته آقایان و علماء بسیارند ولیکن تعمیم معارف یک ملت را میدانند آقایان که مقصود چه چیز است که اگر نباشد استثناء بشود از ملت باید آن کسانیکه عالم بحقوق هستند استثناء بشوند و حالا در یک مقامی است که بواسطه فشار از بند استبداد نگذاشتند بواسطه تجلیات بشریت و افق انسانیت این ملت بیچاره آنطوریکه خداوند عالم خلق کرده است و ودیعه گذارده است و براننده کرده است این خلف را و این ملت را حالا مبادی بروز و ظهور است انشاءالله در سایه تجدد و مشروطیت بروز خواهد کرد پس بنا بر این حالا اگر بخواهیم استثنای بکنیم فقط از این ملت میتوانیم کسانی که اما بحقوق خودشان هستند استثناء بکنیم باین نظر بنده گمان میکنم که اگر انتخاب را مستقیم کنیم چون معارف عمومیت ندارد و از آنطرف هم وسائل حمل و نقل ایاب و ذهاب هنوز میدانید که یکی از مراممهای احزاب است که راه آهن کشیده

شود انشاءالله راه آهن بهمه جا کشیده شود حتی بنده که همهم کشیده شود هر کس این عقیده را ندارد نه این است که بنده او را مسلمان ننیدانم بلکه انسان هم نمی دانم پس بنا بر این آن وسایل یعنی تقدیم ارباب آن مواقع و مراکز آراء که ترتیب انتخاب با نشان میدهد آنهم خیلی مشکل است و علاوه بنده هیچ داخل نمی شوم در آن چیزهایی که آقای حاجی آقا گفتند و بعضی گفتند خارج از موضوع است بنده بطوری داخل می شوم که نگویند داخل در موضوع نیست در موقعی شاید عقیده داشته باشم و عرض خواهم کرد که در یک مملکتی که هنوز شاید مصلحت حالیه اقتضا نکرده است که مجلس دیگر ضمیمه این مجلس مقدس شورای ملی بشود حالا کار نداریم بشود یا نشود چون لابد آن مجلس اگر اقتضا می کرد تأسیس میشد و میدانند که آن مجلس خیلی میتواند بحیثیات و عقاید و قوانینی که از این مجلس شورای ملی بیرون میآید مساعدت بکند نظر بآن تنقیداتی که مغلوب خواهم شد و هیچ حاضر نیستیم که کسی بامن متمایل باشد که بطور مستقیم انتخاب نشود و در حالی که خودم یکی از آنهائیم هستم که این مرام نوشته ام که انتخاب مستقیم باشد ولی نه برای امروز میدانم مغلوب میشوم ولیکن عرض میکنم اگر اینطور شد خواهم دید ولی بنده نمیخواهم به بینم راضی هستم که بر خلاف این وجدانی که حالا دارم یک چیزی پیش بیايد که من شرمند بشوم که چرا یک همچو پیش بینی کردم و بر خلاف در آمد بنده حفظ حقوق نوعیه صحیح را برای ملت میخواهم و هیچ حاضر نیستیم که یکوقت سرزنش بکنم یک جمعی را که دیدید برخلاف من بودید و اینطور شد دل میخواستند طوری بشود که یکدسته بنده را تویج بکنند و سرزنش بکنند که قانوناً حق دارند این دومجلس باهم تبادل کنند که حالا نمیخواهم ترتیب مجلس را بگویم چون خوشبختانه یا بدبختانه آن مجلس هنوز تشکیل نیافته و معلوم هم نیست که کی تشکیل مییابد بنده عقیده ام این است که اگر با آن بیاناتی که بعضی از آقایان میفرمایند و عقاید آنهائیکه پایشان ورم کرده است و دستشان پینه بسته است بنده آن ها را خیلی محترم میدانم و خودم را نان خور آن ها و آن ها را ما را مخدوم خودم میدانم و با کمال افتخار عرض میکنم که اگر یک آدم فیلسوفی دانشمندی مزد و اجرت بگیرد برای مزدوری یک آدمی که از آن علم و هنر بی نصیب است هیچ قانونی اجازه نمیدهد و هیچ انصافی تجوز نمی کند که آن فیلسوف کفش آنها را هم بیوسد بنده عرض میکنم علت اینکه این رنجبرها را که میفرمایند بیایند به مجلس چیست مگر مجلس تمام اسمش این است که به تظلمات آن رنجبر از گنج کدر اینجا شکایت می کند برسد و خودش که آه صاحب درد را باشد اثر در اینجا باشد البته باید متوجه باشد ولی مجلس شورای ملی خیلی وظایف عمده و خیلی مهمات بزرگ را بعهده دارد و اگر یک عریضه و تلگراف تظلمی از یکی از سرحدات آمد آن راهمی یکی از وزارتخانها رجوع میکنند اگر تقصیر و تاخیر کردند در جواب سؤال و استیضاح میکنند ولی جعل قوانین وضع قوانین را بنده خیلی متأسفانه از افکار آنها ومن اینرا میدانم کردند که حوزه ها باید کوچک شود برای این که

آنروز میگفتند انتخاب یکدرجه این و آن را دارد انصافانه بوقفیت کامله رسیدیم ولیکن حالا معتقد نیستیم خواهیم دید و خواهیم دید که یک منتخبینی بمجلس بیاید که ابتدا آن حقوق مشروطیت و آن حدود آزادی و آن قوانین مقدسه و آن موازین موسسه را کاز مجلس بیرون میاید نخواهد دانست مگر برای هر و کیلی که آن طور انتخاب میشود یک معاون و قبحی برایش قرار بدهند .

حاج دکتور رضاخان - بنده چون یادم نوادم رفت ابتدا جواب آقای حاج شیخ الرئیس را بنده بعد شروع کنم باصل مطلب بجهت اینکه بیانات ایشان خیلی مفصل بود و بنده درست نفهمیدم فقط یک چیزش را بنده یادداشت کردم که با این وضع حالیه مملکت معارف نیست گویا اشتباه فرمودند مقصودشان گویا عمومی بودن مستقیم و قتیکه نباشد و ملت گفتیم رأی بنده حسن را انتخاب کن آنوقت او قابل انتخاب شده دیگر معارف لازم ندارد معارف در این جا هیچ موضوع ندارم این جزع شرط کننده است که کیشان عالم و بصیر دیولومه باشد باید بگویند باین شرایط باید انتخاب شود و قتیکه گفتیم و کیل فقط باید سواد فارسی کافی داشته باشد و متدین باشد و سن سی سال داشته باشد دیگر لازم نیست معارف آنوقت اگر این شرایط را ملحوظ ندارد مجلس یا وزیر یا اولیای امور این هیچ تقصیر نیست باید باهمان شرایط باشد فرضاً چشم و ابرویش هم قشنگ باشد این دیگر لازم نیست ما این شرایط را قرار بداریم بکی دیگر هم فرمودند که فردا نگویند چرا پیش بینی نکردند و این کار را کردند و سرزنش کنند یک سرزنش دیگر هم خواهند کرد چرا از تجربه سابقه بعضی اطلاعات حاصل نکرده اند که یک نظامنامه که با آن عجله و درجه زمانی نوشته شده است که دو هزارم منظور داشت و بلکه برای تشکیل شدن مجلس او نظامنامه را نوشت و دو مرتبه حامل پیدا کرد و بموقع اجرا گذاشت اما بنده مجبورم از بابت کمیسیون توضیح بدهم آنروزی که این رایورت آمد بمجلس ۴ نفر یک درجه و سه نفر به دو درجه و ۳ نفر بتفصیل قائل شده بودند و روز بعد دوفتر از اعضا کمیسیون حاضر شدند و از رأی خودشان عدول کردند و قائل یک درجه شدند و الان عرض میکنم که اکثریت کمیسیون در یک درجه است و اگر یک روز دو روز در ترس بمجلس آمده بود هیچ لازم بزرجمت آقایان نبود و خود این در کمیسیون حل نشده بود آقایان مخصوصاً آقای معز الملک بعضی بیانات فرمودند و ایشان جو خیلی صحیح میفرمایند و سایر آقایان شاید درست تشریح نکردند و شاید ایشان هم با دو درجه با آن حوزه بندی و با آن ترتیبیکه در حضور وزیر داخله چندین جلسها مذاکره شده است وزیر داخله خودش تصدیق کرد که ترتیب انتخاب دو درجه هم تولید یک خرجی میکرد برای این که نماینده درجه اول بایستی بیاید و از هر ۳ نفری دو نفر محروم شدند و خرج ایاب و ذهاب بایستی با آنها داده شود و برای این که تولید خرج نشود و طول نکشد از آن محل مستقیماً بر کرببیاید و برای این که اگر قائل بر کربت باشد و از تمام مملکت نظرش پای تخت و مرکز باشد که هر کس رأساً و کیلش بمجلس و مرکز بیاید لهذا تصدیق کردند که حوزه ها باید کوچک شود برای این که

دیگر منتظر نشود ایالت از برای بیست نفر ۳۰ نفر که بیایند برای انتخاب درجه دوم اما باید دانست وقتی که این شکل شد چه اشکالی پیدا میکند اما در یک درجه هیچ اشکالی ندارد بجهت این که وقتی حوزه بندیها کوچک شد دیگر آن طور نیست که از بیست و یک نفر انتخاب شود که مجبور باشد غیر از خودش ۶ نفر دیگر را هم بنویسد که عالم و بصیر باشد وقتی حوزه کوچک شد و یک وکیل باید بدهد مجبور است که اسم خودش را بنویسد از برای این که وکیل بشود و وقتیکه اسم خودش را نوشت البته بقره خواهد شد آیا تصویب نمیفرمایند که یک مجلس داشته باشیم که تمام اعضای او بقره انتخاب بشوند بعد از این مقدمه میرویم سر مطلب و ایرادیکه آقای معز الملک کردند اولاً فرمودند که باید وزراء حاضر باشند و در قانون شرکت کنند عرض میکنم آن قدریکه راجع بوزارت داخله بود آمدرد کمیسیون و شرکت هم کرد که آنها حوزه بندی است که آقایان وزراء حاضر شدند در آنجا و مذاکره کردند و نظریات خودشان را کرده اند دیگر اینجا هیچ لازم نداریم که بدانیم که عقیده وزارت داخله چیست مستقیم است یا غیر مستقیم این یکی از حقوق مختلفه ملی است و هیچ وقت ملت حاضر نیست که این حقوق خود را بدولت بدهد حقوق ملت جزء جزئیش گرفته شده امروز بیایند نمایندگان و بخواهند این حقوق مستقیماً ملت بدهند که امالی انصافی است بنده نمیگویم دولت و ملت از هم جدا است بدیهی است دولت و ملت یکی است وقتی که نباشد با آن ها شرکت کنند در واقع کمکی است برای قانون گذاری و اینکه فرمودند نمایندگان دیر حاضر خواهند شد بنده عرض میکنم وقتیکه وزیر داخله بیایند در کمیسیون و بفرمایند که تجربه بانهاش داده که دو درجه خیلی اشکال خواهد داشت و غالب می شود که عده کافی در ایالت حاضر میشوند چنانچه خود آقای معز الملک فرمودند که در انتخاب دودرجه سی نفر شاید حاضر نشوند ده نفر حاضر شود لازم نیست که بیایند خودشان انتخاب میکنند خیلی چیز غیر ملی است که یک عده حاضر نشوند و یک عده دیگر بیایند انتخاب کند یک عده معینه را که بنظرشان خوب میآید خوب است همین طوری که بجای نماینده های مستعفی انتخاب میکنیم این جا یک صد نفری را از اشخاص منتخبه دودرجه فیروز کوه هنوز و کیلش نیامده است در دودرجه شما چه خواهید کردها آن را در یک درجه خواهید کرد اینها جزعانتخابات است مطلبی نیست که ایراد بشود در وقت نوشتن نظامنامه مثل اینکه یک کسی اگر وکیل شد و رد و قبولش هیچ معلوم نشد چنانچه الان داریم و کیلی که رد و قبولش شش ماه است معلوم نشده که وکیل است یا وکیل نیست این علت تاخیرش چه بوده است هر چه در باب او میشود در باب اینجا هم میشود این هیچ دلیل نمی شود که بگویم زودتر باید برتر خواهد

دوم فاضلتر میآید و او را هم وقتی میتوانیم بگوئیم مثل اینکه آقای معزز الملک فرمودند حوزه‌ها بزرگ باشد آن وقت آن اشکال رفع شود و شاید آن وقت یک مردمان با اصلی پیدا بشود چون قانون خیلی فلسفه دارد این راجع باخلاق میشود که قانون را واگذار کنیم بحسبیت آن مردمانی که آن ها را اختیار کردند و آن ها بیانند یکمده را که پارلمان میخواهد انتخاب کنند اینجواب آن اگر هائی که آقای معزز الملک میفرمایند باینکه اگر هاکار درست نمیشود تمام این اگرها در درجه دوم است که اگر در اول خوب انتخاب بشود و اگر اولها صاحب اخلاق باشند اگر اولها صاحب علم و کمالات باشند اگر اولها متدین باشند آن وقت ممکن است که یک نفر از آن ها فاضل متبحر بیاید اینجا و دیگر اینکه بنده نمی خواهم داخل فلسفه انتخاب بشوم و تصور میکنم که یک قدری فضولی باشد که برای آقایان درس گفته باشم و استدعا میکنم از آقایان که اینجا میآیند فلسفه انتخاب و سلطنت ملی را بیان میکنند مستند همه ماها آن قدری که باید بدانیم میدانیم و دیگر عرض میکنم نباید این رانست بارز و تلفظ مرام این را مرامنامه گفت مگر همینکه مرام شدو درجه قابل آرزو است ولی یک درجه قابل آرزو نیست و قتیکه اکثریت ملت یکسوی تعلق گرفت بگوئیم او وکیل ملت نیست این آرزو است اینها الفاظ است بنده که بنده قانع نمیشو باین حرفها و بنده در خاتمه عرایض خود فقط ائصال میخواهم که یک هزار نفری جمع شدند یک نفری را برای مذهب برای اخلاقی برای مسلکش اختیار کردند با یک نقشه معینی برای اینکه دفاع بکنند از حقوق آن ها آیا انصاف است که صندلی او را یک نفر دیگر که بکلی خارج از مسلک و عقاید او است تصادفاً اشغال بکنند که بگویند روح ما از این وکیل خبر ندارد حقش هست بگویند بجهت اینکه آن وکیل را آنها انتخاب نکردند و قائل نبودند بان شرایطی که غیر از شرایط آن انتخاب هست بکنند وکیل فرمایشی بیاید جای او بنشیند و دیگر چند بیادداشت دیگر هست پیش از این جسارت نمیکند و همینقدر خواهش میکنم محض متمایل نبودن بیک درجه این صحبتها را فرمایند که در کمیسیون چهار ماه این صحبتها مکرر شده است و تمام این دلایلشان گفته شده است و جواب هم داده شده است و بگذارند این نظامنامه زودتر بموقع اجرا گذاشته شود زیرا آنچه اینجا گفته شده است مکرر بوده است و بنده هم جواب تازه عرض نکردم جز مکررات .

آقای شیخ محمد خیابانی - بنده چنانچه فرمودند از میان فلسفه انتخابات صرف نظر میکنم یعنی آن اندازه که در فلسفه داخل میشوند و اکثریت ملتا دلیل میآورند و اظهارات میکنند بنده هم برای آن دلیل دارم و فلسفه برضد آنرا هم دارم و داخل آن نمیشوم ولی عجاتاً عقیده خودم را اظهار میکنم و قابل بدو درجه هستم معاینی که از دو درجه احساس کردیم ما هم از آن اشخاص بودیم که در یک ابالتی بودیم و دیدیم که شد ولی از یک طرف ملاحظه میکنم می بینم اگر این دفعه مستقیم باشد نظرات آنها که مایل مستقیم هستند و در نظر دارند در همان دائره

آمال و آرزو خواهند ماند و بمقام عمل نخواهد آمد و بنده بنام اکثریت ملت میگویم باز تکرار میکنم بنام اکثریت ملت که اکثریت ملتا باید داخل در انتخاب بکنیم و از قضا من تصور میکنم که اکثریت ملت قتیکه داخل در انتخاب شد باید دودرجه باشد ملت ماهه تصدیق خواهند کرد که امروز پارتهای سیاسی و فرقه های سیاسی بعضی دیسیپلین ها برای خودشان تریب نداده اند همه پاشیده و پراکنده هستند و باید نظر صاف و ساده منتظرند که اعلان انتخاب بآنها داده شود و هر دو بیست نفر و سیصد نفر و چهار صد نفر منتهی بانصد نفری در هر شهری برای یک نفر یک رأی ساده و صحیحی بدهد و در این ضمن اشخاص رندی که هستند مستبدین یا متفدین آنها دسته بندی و فرقه بازی که در مملکت هست دسته بندی خواهند کرد و نه بنام اکثریت بلکه بنام اقلیت نماینده بازار خیلی خیلی منتخبا خواهند کرد و باز مکرر میکنم که بنام حفظ حقوق اکثریت عرض میکنم آنها بطور ساده میخواهند رأی بدهند محروم خواهند شد و اگر در درجه باشد بتوانند نماینده خود را داخل کنند بنده ملاحظه میکنم قتیکه ما رأی دادیم که انتخاب مستقیم باشد در مقام متناسب و تساوی رأی دادیم که مثلا از صد هزار نفر وکیل انتخاب بکنیم آیا میآیم بیست و پنج هزار نفر یک نفر وکیل انتخاب میکنند اینکه در انتخابات استثنائی میکنیم و یک خلافتی و اختلافی در میان مملکت میاندازم مثلا شهر خراسان از آن میزان بعنوان تناسب و تساوی باید از دو بیست هزار نفر وکیل بدهد بگوئیم خراسان چون اشخاص بصیر عالم و وطنخواه و اشخاصی که علم مشروطیت در دست آنهاست چون در شهرها هستند باید در شهرها زیاد انتخاب بشود بگوئیم چون آنجا دو بیست هزار نفر هستند باید بآنها ده نفر حق انتخاب بدهیم و طبعی و تون که جمع خواهیم کرد در یک حوز که صد هزار نفر هستند بآنها هم حق یک نفر وکیل بدهیم گمان اینست که بعد از آنکه قائل شدند بان انتخاب مستقیم این را بتوانند طرف ملاحظه قرار بدهند زیرا تمام شهرهای ایران دارای صد هزار نفر نیستند فرض بفرمائید چند شهری داریم که دارای صد هزار و دو بیست هزار و سیصد هزار نفر هستند که تقریباً شش هفت شهر میشود از این شش هفت شهر بنده شهر تبریز را مثل میزان این شش هفت شهر بنده که واقماً زهی بی انصافی میبینم که تبریز که دارای چهار صد هزار نفر است حق چهار نفر وکیل داشته باشد و فلسفه ما باید حفظ حقوق مملکت و ملت باشد نه حق دادن علت این حق دادن به ملت خوبست ولی در مقام عمل باز هم بنده تکرار میکنم که شخص نباید محتاج تصمم باشد از این حرف شما هیچ وحشت نکند بنده می گویم که همان ملت رنجبر همان ملت زحمت کش که ما برای آنها دلمان میسوزد بنده میتوانم قسم بخورم که آنها راضی هستند که حقوقشان را بدست اشخاص بدهیم که بتوانند حقوق آنها را حفظ بکنند و بدست خودشان نباشد پس از این تردید میگویم تبریز ۴ نفر حق وکیل خواهد داشت و قتیکه بان انتخاب مستقیم قائل شدیم و قتیکه تبریز حق چهار نفر وکیل

خواهد داشت آنوقت این چهار نفر را میتوانند از مستبد غیر مستبد یعنی اشخاصی که اقلیت ملت را تشکیل میدهند یعنی ساده لوح نیستند و واقماً با یک نظر صاف ساده کار نخواهند کرد آنوقت ببینید ملت را تشکیل میدهند باین دسته بندیها با این آنتریک ها که در مملکت هست از این چهار نفر آن بیچارهها چند نفر وکیل برای خودشان میتوانند درست بکنند در شهری که دوهزار سه هزار رأی دادند باین اوضاع که مای بیستم و این کاندیداها شاید همرا یاسه نفر آنها را ببرند و بآن بازیها جمع خواهند شد و رأی خواهند داد بدیست رأی چهار صد رأی و بالاخره رایهای آنها از بین خواهد رفت آنوقت در مقابل این اوضاع کاندیدائی و این نظامات هیچ حقی برای آنها نخواهد ماند و همان چهار نفر از اشخاصی خواهند بود که از اول معین شده اند و در ضمن اینکه ما میگوئیم باید حقوق را با کثرت داد بکلی ما میگوئیم که اکثر را محروم میکنیم و برای آنها فقط یک آتمن و تعرفه گرفتن و اسام نوشتن میماند پس ما باید عملی بکنیم که بآن اکثر شرکت داشته باشد در وکیل فرستادن باینجا نه تنها در رأی دادن پس آبا اطمینان دارند باینکه بعد از رأی دادن مستقیم میتوانند وکلای شهرها یعنی از وکلای علم اشخاص عالم و مشروطه خواه یعنی آنها تیکه علم مشروطیت در دوش آنها است اگر میتوانند بآنها عده کثیری نسبت بجاهای دیگر بدهند که بیست یا بیست و پنج نفر بآنها باین ترتیب بدهند و بآنجا هر چند که میرسد دوباره انتخاب بکنند یعنی وکیل آن اصناف بدینت که می توانست یاد بیست یا سیصد رأی در درجه اول وکیل آنها هم توی آنها داخل بشود تا اینکه افلا بلکه آنها هم بتوانند یک وکیل صاف و ساده در دو درجه پیدا بکنند آن وقت بنده عرضی ندارم چون نقطه نظر بنده از این است که شهرها کم میرسد و از این بعد هم نتیجه که شما بآن خواهید رسید این است که بنده تکرار نمیکند آن دلایل را از چند شهر معتبر که زود وکیل خودشان را خواهند فرستاد تقریباً خواهید دید که بیست نفر ۱۰ نفر آمده اند و کار خواهد رسید مشکین و سلماس و قراجه داغ و کردستان و صایین قلعه و تون و طبعس و بجنورد آنها باین پریشان خاطری که می بینید ما برای پنج سال بعد که نقشه نمیکشیم برای همین اوقات است چطور تصور میکنید که آنها جمع خواهند شد یکصد هزار نفری و یک وکیل بفرستند مجلس اصلا در انتخابات آنها بنده حرف دارم تاچه رسد که بیایند مجلس و در آمدن بمجلس را بنده عنوان نمی کنم و اینکه بعضی اشکالات بنظامنامه سابق میکنم این را میبشود اصلاح کرد ما قائل باین نیستیم که همان نظامنامه ما همان ترتیب باقی باشد من میگویم ملتا در تبریز دفعه اول حق ۲۶ نفر وکیل داده بودند و برای سایر نقاط آذربایجان ۳۱ نفر که کلیه ۵۷ نفر بودند از آن ۳۱ نفر تقریباً ده دوازده نفر توانستند که در مرکز حاضر شوند و از این ۲۶ نفر و از آن دوازده نفر که تقریباً ۲۴ نفر می شود نماینده منتخب معین شد و آمدند بمجلس حالا برای تبریز چهار نفر معین شود و برای سایر نقاط هم باین ترتیب وکیل معین کردند و بنده چون بعضی چیزها را بعد از تجربه

نشان می دهیم که اینطور نیست از حالا بنده خواهم گفت که از بعضی شهرهای معین و کلاسه خواهند آمد که معین است خواهند آمد و بعد گوش بزنند خواهند شد که از مشکین و کبل خواهند آمد و اخیر در این صورت برای اینکه نظامنامه اولی هم معمول نباشد و مستقیم هم بطوری که گفتیم نباشد که بنده خیلی مضر می دانم برای انتخابات آن وقت مرکز حوزه را فرضاً تبریز شیراز مشهد قرار بدهید که تنبلی بکنید یا بعضی ملاحظات بکنید که حاضر شوند یا بعضی رودر باستی باشد که از پنجاه فرسخ نباید بتبریز میشود برای آن نقاط یک حوزه دیگر قرار داد و گفت تبریز تا ده فرسخ حوزه مرکز آنها تبریز باشد و عده را معین می کنید که بیایند تبریز و یک نظری برای خودشان بکنند و این اندازه نباید سوظن بکنند بآن اشخاصی که در درجه دوم انتخاب میکنند برای اینکه آنها همانهایی هستند که مردم میگویند ما آنها را نماینده بکنیم همان نماینده مثل اینست که در مجلس کمیسیون انتخاب کرده اند و پنج شش نفری از میان خودشان معین میکنند و این قسم انتخاب را یک امر غریبی بنظر نیاورید حضرت رسول صلی الله علیه و آله باین انتخابات خیالاً من خیار امتخار فرموده است و از آن قبیل مسئله حضرت موسی که از هفتاد نفر هفت نفر انتخاب کرده است و معمول شده است که خیالاً من خیار صحیحست از منتخبا و صلاح ملت میشود و آنها اول عده را منتخب میکنند که بیایند تبریز از آن طرف برای سلماس و خوی وارد میشود یک حوزه دیگر برایشان معین بکنید چون ولایت خودش است آن رویدر باستی و آن چیزها واقع نمیشود میروند بارومی می نشینند و انتخاب میکنند و هکذا در سایر جاها آنوقت هم بیچاره های بیطرف و خالی الذهن ها و کلبشان داخل در منتخبین میشود وهم وکیل آنها بمناسبت انتخاب درجه ثانی چون باید بکمندی معین کرد که اگر تا آن مدت حاضر نشدند مثل اینکه در انتخاب مستقیم هم هست و اگر بان انتخاب خودشان اقدام نکردند حقتان ساقط خواهد شد اینست که بنده اختصاراً این دو نکته را خاطر نشان میکنم و واقماً اگر باین ترتیب که بهر شهری دوسه نفر میرسد چقدر معایب پیدا خواهد شد آنوقت بدش را ملاحظه بفرمایند که چه میشود.

نایب رئیس - پیشنهادی از طرف بعضی وکلاء شده است قرائت میشود . (ببارت ذیل قرائت شد)
 ما امضاء کنندگان ذیل بملاحظه آنکه تکلیف کمیسیون انتخابات معلوم شده تا بتواند بزودی نظامنامه انتخابات را ترتیب داده راپورت بمجلس بدهد تقاضای فوریت میکنم در طرح آقای بهجت .

نایب رئیس - این تقاضا را ۴۷ نفر از نمایندگان امضاء کرده اند و این خودش اکثریت است ولی باز باید رأی بگیریم .

معزز الملک - اولاً در نظامنامه داخلی نوشته میشود که اعضای کمیسیون حق دارند که در پیشنهادی که میشود مذاکره بکنند تا باین در هیچ جای از نظامنامه نوشته نشده است که باید در فوریت پیشنهاد رأی بگیرند و آن چیزی که مطرح مذاکره است

پیشنهاد یک نماینده است و طرح قانونی نیست یک راپورتی از طرف کمیسیون انتخابات آمده است و یک نماینده در آن پیشنهاد کرده است پیشنهادی پیشنهاد چه چیز است؟ هیچ محتاج بغوریت نیست در او مذاکره میکنند بواسطه اهمیت مطلب مذاکرات خیلی طولانی شده است ولی بعد از آنکه مذاکره شد باید در این پیشنهاد هم مثل سایر پیشنهادها در قابل توجه بودنش رأی گرفت و قتیکه قابل توجه شد باید بروی کمیسیون که بعد در ضمن قانون انتخابات بیاید که بتوان در فوریت رأی گرفت این پیشنهاد فقط باید قابل توجه بشود .

آقای شیخ غلامحسین - ماده (۷۴) نظامنامه داخلی نوشته در موقعیکه لایحه یا طرح قانونی پیشنهاد میشود وزراء یا صاحب طرح یا یکی از نمایندگان میتواند از مجلس تقاضا نماید که فوری بودن آنرا تصدیق نماید اینکه آقا فرمودند این پیشنهاد است اشتباه است پیشنهاد در صورتی است که یکی از وزراء یا یکی از وکلاء داده باشند و این جا نه وزیر و نه وکیل پیشنهادی نکرده است تا اینکه آقای بهجت داده اند پیشنهاد محسوب شود این طرح قانونی است که پیشنهاد کردند که این طرح خودشان پیشنهاد بشود و طرح قانونی است باید رأی گرفته شود (پیشنهاد آقای بهجت مجدداً قرائت شد) .

نایب رئیس - رأی میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد اگر قابل توجه شد تا بنیاماندا کرده خواهد شد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

نایب رئیس - اکثریت است .

آقای شیخ غلامحسین - بنده عرضی ندارم این یک ماده قانونی است که یک وکیل پیشنهاد کرده است موافق نظامنامه داخلی باید در فوریت این رأی بگیرید بواسطه اینکه این یک ماده قانونی است **نایب رئیس** - رأی فوریت را در موقع شروع بمذاکره میگیریم حالا میروند بکمیسیون بعد از آنکه رفت بکمیسیون و مذاکره شد رأی بغوریت خواهیم گرفت بجهت اینکه ۴۷ نفر رأی داده اند آن وقت بغوریت باید در یک جلسه ختم بشود .

و حیدر الملک - آخر ندانستم چه شد .

نایب رئیس - یک پیشنهادی شده است و قابل توجه شده است و باید بروی کمیسیون و بعد بیاید به مجلس .

سایمان میرزا - معلوم میشود که متخلف یک نفر رأی ۴۷ نفر را مبهم میگذازند برای یک نفر نمیشود این را مبهم گذاشت .

نایب رئیس - در این جلسه که نمیتوان رأی گرفت (اظهار کردند - چرا نمی شود رأی گرفت چهل و هفت نفر تقاضا کرده اند که رأی گرفته شود .

افتخار الواعظین - پیشنهاد نیست ماده قانونی است و ۴۷ نفر تقاضای فوریت کرده اند .

نایب رئیس - موقع گذشته است **آقای شیخ غلامحسین** - اجازه بدهند ماده (۷۶) نظامنامه داخلی را بخوانم .

نایب رئیس - بخوانید .

آقای شیخ غلامحسین - ماده (۷۶) اگر مجلس فوریت آن تقاضا را تصدیق نماید مطلب مزبور را با شصت و یک رأی از کمیسیون های مربوط بآن که سابق تشکیل شده رجوع مینماید و نیز مجلس میتواند خود فوراً بآن لایحه با طرح قانونی رسیدگی کند و این در صورتی است که مخصوصاً در این باب رأی داده شود) این رای بنده استدعا میکنم که آقایان نایب رئیس یک مطلبی را که اینطور مشکوک شده است در برونه اجمال نگذارند و رأی بگیرند در فوریت که امروز این ماده تمام شود و این موافق نظامنامه داخلی است .

ماده (۷۶) نظامنامه داخلی مجدداً خوانده شد)

نایب رئیس - هر یک از آقایان که تصویب میکنند فوریت این طرح آقای بهجت را قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد حالا در این جلسه مطرح مذاکره شود یاد جلسه آتیه .

(جمعی اظهار نمودند - این فوری است دیگر در جلسه آتیه یعنی چه)

نایب رئیس - تقاضا میکنم که اسباب زحمت بنده نشود که اسباب اخطار بشود یکی یکی حرف بزنند - حالا رأی میگیریم که در این جلسه مذاکره شود یا در جلسه دیگر هر کس که تصویب میکند که در این جلسه مذاکره شود قیام نماید (اغلب قیام نمودند) .

نایب رئیس - اکثریت است - حالا یک پیشنهادی شده است از طرف ده نفر از نمایندگان که باورده رأی گرفته شود .

(ماده پیشنهادی آقای بهجت نیز قرائت شد)

(گفته شد که خوب است عرض مستقیم یک درجه نوشته شود .

بهجت - مقصود بنده از مستقیم همان یک درجه است .

معزز الملک - اساس مسئله حل شده است رأی کمیسیون هم حل شده است دیگر آقایان چرا حرارت می کنند ولی چیزی که هست امروز که رأی بگیرند یک نقطه هم نمیشود بر او افزود و شاید یک عبارتی باشد که لازم باشد اصلاح شود برای اینکه این گذشت که یک درجه باشد دیگر کمیسیون نمیتواند راپورت بدهد که دودر جگی باشد فقط چیزی که هست این است که باید بکمیسیون برود که عباراتش صحیح شود مثل اینکه الان تقاضا میکنند که عرض مستقیم نوشته شود یک درجه مسئله که تغییر نمیکند دیگر کمیسیون حق ندارد که تغییر بدهد .

نایب رئیس - پس رأی میگیریم .

آذینه محمدخان - بنده هم عرضی ندارم .

نایب رئیس - در بین رأی نمیشود .

آذینه محمدخان - برای کافی بودن مذاکره کدای نکرفتم برای فوریت رأی گرفتم .

نایب رئیس - برای کافی بودن مذاکره هم رأی میگیریم هر یک از آقایان که مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - مذاکرات را کافی دانستند ماده واحده با اصلاح قرائت میشود .

(بعبارت ذیل خوانده شد)

چون کمیسیون انتخابات بطور قطعی در

کیفیت انتخابات رای نداده لهداماده ذیل رایشنهاده
میکنم کدر جزء قانون انتخابات قید بشود .

ماده واحده - انتخابات نمایندگان برای مجلس
مقدس در تمام مملکت ایران بطوریکدر چه ومستقیم
خواهد بود .

نایب رئیس - هر یک از آقایان که این ماده را
تصویب میکنند ورقه سفید بدهند و هر کس که مخالف
است ورقه آبی بدهد (اوراق رای اخذ و آقای
حاج میرزا رضاخان احصاء نمود) .
رای دهندگان ۵۲ - رد کنندگان (۳) ورقه
لایقره « یک » .

نایب رئیس - با کثرت ینجاه و دو رای
تصویب شد که انتخابات یک درجه و مستقیم -
این طرحی است که از طری آقای لسان الحکماء
در خصوصیات انتخابات مستقیم پیشنهاد شده است
رجوع میشود بکمسیون آقای وحیدالملک از وزارت
پست و تلگراف سؤالی داشتند ولی چون ظهر گذشته
است میماند بجلسه دیگر .

وحیدالملک - چون مختصر است اجازه بفرمائید
عرض کنم .

نایب رئیس - بفرمائید .
وحیدالملک - خاطر آقایان مسبوق است
که در ۲۳ جوزا یک قانونی از مجلس گذشت که
بموجب آن بعضی اختیارات واقتدارات لازمه بخزانه
دار کل داده شده است از برای اصلاحات لازمه
ومن جمله یکی از آن اختیارات راجع بود بمرکزیت
جمع و خرج عایدات دولتی و بعد از آنکه آن مواد
از مجلس گذشت خزانه دار کل مسیو شوستر مشغول
شد بمعضی اصلاحات اساسی ادارات مالیه ومن جمله
اصلاح تمام ادارات دولتی مخصوصاً اداراتی که
عادت دارند که عایدات خودشان را تحویل خزانه
بنمایند و ماه بمهه مخارج خودشان را از خزانه به
امضای خزانه دار کل مسیو شوستر دریافت دارند
بعضی ادارات از این حکم خزانه دار کل که متکی
بود برای مجلس سربچی کردند و از قراریکه میشنویم
پست خانه دولتی یک تلگراف متحد المضمونی بکلیه
پست خانه های ولایات مخبره کرده است که عایدی
خودشان را بخزانه دار کل ندهند ومستقیماً بحواله
کرد پست خانه مرکزی بپردازند بنده خواستم از
آقای معاون پست و تلگراف سؤال کنم که آیا صحت
دارد و همچو تلگرافی شده است یاخیر ؟ و در صورت
صحت مبنی بر چه حکمت و فلسفه بوده است که مستقیماً
مخالفت دارد بامواد قانونی که از مجلس گذشته است
معاون وزارت پست و تلگراف - بلی
اینجا یک کلمه مطلب است که گویا اشتباه شده است
و آن اینست که فرمودند که بعد از اینکه آن قانون
گذشت به تمام ادارات دولتی اعلان کرده اند بدبختانه
اینکار را نکرده بودند و یک سوء اثری که میدانید
از همین است والبته همه هم تصدیق میکنند بعد از
آنکه این غفلت از وزارت مالیه شده است و ان
اعلان را نفرستادند بجهه جا رئیس پست تقصیر ندارد
و مطابق قانون رفتار نمیکنند باین معنی که تمام عایدات
خودش را مطابق معمول سنوات بیانک میدهد و
صندوق علیحده ندارد و روز بروز که مخارج فوری
فوتی از برای او پیدا میشود حواله میدهد و روزی

که قانون مذکور در اینجا میگردد فردای آن روز
که باید گاری حمل بکنند و مخارج فوری داشت
هشتصد تومان حواله میکند بیانک بطور سابق و
بانک حواله را رد میکند البته تصدیق خواهید فرمود
که بانک حواله کسیرا که پول پیش او داشته است و بدون اطلاع
از جای رسمی یعنی بدون این که از وزارتخانه خودش
باواخطاری برسد و وابخورد و باو چون برمیخورد
و برای این که او هم رئیس و اروپائی است در اداره
پست باین لحاظ او هزار خیال درباره خودش میکند
و کاغذی بوزارت خودش نوشت بعد از آنکه
کاغذ رسید بوزارت فرستادیم بوزارت مالیه و از
مسیو شوستر سؤال کردیم که یک همچو چیزی هست
یا خیر آن وقت ایشان یک لایحه فرستادند با یک
اوراقی که بله چون اوراقمان حاضر نبود منتظر
شویم که اوراقمان که حاضر شد بفرستیم بنده خودم
رفتم او را ملاقات کردم و عرض کردم بهتر این بود
که مکتوباً بما مینوشتید یا این که اعلان بیانک را
توقیف میکردید تا اوراق چاپ بشود و با ادارات
بفرستید و خودش هم بسندید و گفتند من گمان میکردم
از طرف وزارت مالیه این اعلان رسمی بجهه جا
داده شده است و با کمال موافقت وزارت پست و
تلگراف همراهی کرده است و میکند و ابدأ از
طرف وزارت پست و تلگراف همچو تلگرافی بولایات
نشده است و تمام پول هایش را هم عاید بیانک کرده
است و پول هایش را هم گرفته است و پولهایی هم
که خواسته ایم فرستاده ایم که بدهد .

نایب رئیس - دستور جلسه ۵ شنبه ۹ رجب
تجدید انتخاب شعب - قانون شرکت ها - شور اول
راپورت کمیسیون بودجه راجع بورته سید حسن و
میرزا اسمعیل مجاهد راپورت کمیسیون بودجه راجع
بمحسن خان .
(مجلس تقریباً ۳ ربع ساعت از ظهر ختم شد) .

جلسه ۲۹۹

صورت مذاکرات روز ۵ شنبه

۹ شهر رجب المرجب ۱۳۲۹

مجلس ۳ ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست
آقای مؤتمن الملک افتتاح و در سیاعت سه قبل از
ظهر رسماً منعقد گردید - صورت مجلس قبل
قرائت گردید .

غائبین جلسه قبل - بدون اجازه آقا شیخ حسین
یزدی - دکتر اسمعیل خان - ناصر الاسلام - حاجی
امام جمعه - آقا سید حسن مدرس

غائبین با اجازه - آقا شیخ رضا - آقا سید محمد
باقر ادیب - ادیب التجار .

غائبین از وقت مقرر - آقا میرزا اسدالله
خان ۴۰ دقیقه آقا میرزا ابراهیم قمی یک ساعت و
چهل دقیقه

رئیس - آقا محمد هاشم میرزا اظهار داشتند
در صورت مجلس؟

محمد هاشم میرزا - در اینجا که نوشته
شده است بنده و حاجی شیخعلی قائل بتفصیل در
نظامنامه انتخابات بودیم بعد از آن مذاکره قبل
از تنفس فرمایشی که آقای نایب رئیس فرمودند
بعد از تنفس در این خصوص توضیحی دادم او را
اشاره نکرده اند.

معزز الملک - در صورت مجلس قید شده
است که در پیشنهاد آقای بهجت در قابل توجه
بودن رای گرفته شد در صورتی که آن ترتیب یکفندی
مخالف با قانون بود بجهت این که بعد از آنی که
قابل توجه شد تقاضای فوریت شد بنده عرض کردم رای
گرفتن مخالف نظامنامه داخلی است .

رئیس - اظهار آقای محمد هاشم میرزا نوشته
خواهد شد .

معزز الملک - در خصوص اظهار بنده
چطور .

رئیس - صورت مجلس آنچه چیزی است که واقع شده
است تمامش که نوشته نمیشود .

آقا میرزا داودخان - در گرفتن رای
در کلیات عده از نمایندگان تقاضای رای علنی با
اوراق کرده بودند اینهم قید نشده است .

رئیس - اینهم اصلاح میشود - دیگر ملاحظاتی
نیست (ملاحظاتی نبود) .

رئیس - صورت مجلس تصویب شد دستور
امروز تعیین شعب شور اول قانون شرکت های تجاری
راپورت کمیسیون بودجه راجع بورته سید حسن
و میرزا اسمعیل مجاهد ایضاً راجع بمحسن خان مطابقت
شده است .

(آقای ارباب اظهار داشتند - بله) .

ارباب کیخسرو - در جلسه قبل تلگرافی
از اردبیل رسیده بود حضرتعالی فرمودید رجوع
میشود بکمسیون داخله که راپورت آن را بدهند تا حال
نتیجه معلوم نشده در صورتی که ممکن است امروز تقاضا
میکنم جزء دستور شود .

رئیس - هنوز راپورت نرسیده است - شروع
میکنیم بانتخاب شعبات .

معاون پست و تلگراف - دو فقره لایحه

است که از طرف وزارت تجارت تقدیم مجلس شورای
ملی میشود یکی راجع بجلب یک مستشاری است
برای اداره کردن امور تجارت که اهمیت آن را
آقایان بهتر از بنده میدانند که برای تأسیس تجارت
اول اقدامی که باید در این مملکت بشود این است
که یک نفر مستشار برای این کار استخدام شود یک
یک فقره دیگر راجع بیک امتیازی است که به

(جلال یانس) داده شود راجع بچرم سازی که در
خارج خلی خلی تحصیل کرده است هم در علم و هم در
عمل میخواهد در اینجا کارخانه چرم سازی دائر بکنند
و این مسئله را وزارت تجارت خیلی لازم میدانند
زیرا اشخاصی که محتاج بچرم هستند از کفاش وغیره
خیلی تظلم کرده اند و بهیچ راهی این کار مبسر
نیست که آن ها راحت شوند مگر این که کارخان
دائر شود و یک امتیازی از طرف دولت تقاضا
شده است که به (جلال یانس) برای این کار داده شود
تقاضای فوریت هم شده است .

رئیس - بکمسیون های مربوطه فرستاده
می شود .

(در این موقع شروع به تعیین شعبات گردید)

رئیس - عده حاضرین (۸۳) نفر پنج شعب
هر یکی (۱۴) نفر و شعبه ۶ (۱۳) نفر خواهد بود .
شیبانی - آقا میرزا یانس - نجم آبادی -